

## معرفی، نقد و بررسی نسخه‌های تعزیه حضرت علی اکبر (ع)

○ غلامرضا گلی زواره

### سوگواری برای اسوه فضایل

به طور مسلم از عوامل مؤثر و آموزنده‌ای که جامعه و خصوصاً نسل جوان را به سوی معارف دینی و افتخارات معنوی سوق می‌دهد و عزت و احيای هویت آنان را تحکیم می‌بخشد و روح ایمان و ایثار را در اعماق قلوبشان می‌رویاند، معرفی ابعاد زندگی اسوه‌های فضایل و مکارم است و استمداد از اراده‌های نیرومند و همت طلایه‌داران معنویت رویش ارزشها را در جامعه تسریع بخشیده و سنت‌های پسندیده را ترویج می‌کند. به علاوه روی آوردن به حماسه‌های راستین، اراده‌ها را پرصلاحت می‌کند و حضرت علی اکبر (ع) یکی از چهره‌هایی است که با شایستگی، اصالت، لیاقت و فضیلت آفرینی به فرزین قله‌های کرامت، صعود نمود. همان جوانی که در بوستان عترت نشو و نما یافت و خاندانش حافظ سرّ خداوند و جانشینان برحق آخرین فرستاده الهی و ذریه او هستند. پدرش سبط رسول خدا (ص)، خامس آل عبا، از مخصوصین آیه تطهیر و سیدجوانان بهشت است. مادرش لیلی دختر ابن مرّه بن عروه بن مسعود ثقفی است که به قول حارث بن خالد مخزومی: او (لیلا) و والدینش وفادارترین قریش در حفظ پیمان هستند، و عموهایش از تیره ثقف می‌باشند. شرایط خانوادگی و محیط پرورش علی اکبر (ع) پاکیزه‌ترین و عالی‌ترین مکان بود، وی تحت عنایت ویژه پدر و در پرتو توجهات عمویش امام حسن (ع) و در دامان مادرش لیلی پرورش یافت. با ولادتش رایحه عطرآگین رسول اکرم (ص) در فضای خانه سومین فروغ امامت بیش از پیش استشمام گردید. به دلیل پیوستگی معنوی، عاطفی و روحی مصطفای پیامبران با امام حسین (ع) خصوصیات ظاهری و برخی خصلت‌های اخلاقی آن سرور عالمیان به فرزند امام سوم، یعنی علی اکبر انتقال یافت و او به عنوان آینه تمام نمای پیامبر اکرم (ص) مشهور گردید در خلق، خُلق و نُطق در عصر خویش شبیه‌ترین افراد به جدش حضرت محمد (ص) بود.

حضرت علی اکبر (ع) به عبادت و راز و نیاز با خداوند عشق می‌ورزید و در راه رضایت پروردگار در جهت برآوردن نیاز و حاجات بندگان خدا کوشا و مجذّب بوده، ایمان استوار و صلابت معنوی ناشی از انس با حق شجاعت، شهامت و اقتداری ویژه به وی داده بود. او در طریق معرفت و حکمت به

کمالاتی نایل و چشمه‌های حقایق در اعماق وجودش جاری گشته بود. محدثی بنام بود و از جدش روایت نقل می‌کرد.<sup>۱</sup> بیانات حضرت سیدالشهداء (ع) در موقعیت‌های گوناگون در وصف این جوان وارسته و فداکار و نیز عبارات ارزشمندی که در متن زیارات متبرکه که مختص اوست، دیده می‌شود و براساس آنها عظمت مقام و خصال حمیده‌اش تأیید شده است. بیانات ائمه هدی (ع) در روایات مستند که طی آنها او را به پاکی و طهارت نفس ستوده‌اند مقام والای این جوان را به اثبات می‌رساند و شأن و منزلتش را تأیید می‌کند.<sup>۲</sup>

علی اکبر از سه جهت حیات معنوی و زندگی ملکوتی دارد: یکی آن که فرزند امام حسین (ع)، برادر امام سجاد (ع) و شبیه رسول اکرم (ص) و گلی معطر در گلستان علوی است، دوم: اهل معرفت، خرد و حکمت است و بر اثر عبادت و ارتباط با خداوند مسیر حق را در رکاب امامت درنوردید و سوم آن که در راه احيای دین و حمایت از حریم ولایت و ستیز با شقاوت و محو ستم به فیض شهادت رسید و حیات طیبه و زندگانی جاویدان را به شکلی عالی و ارزنده از آن خویش ساخت.

بدون شک هر شیوه هنری، حماسی و ادبی که بتواند سیمای پر ابهت شخصیت‌هایی چون علی اکبر را به جامعه معرفی کند مطلوب بوده و هرگونه تلاشی در راستای احيای فرهنگ فضیلت و شهادت می‌تواند سودمند، آموزنده و اثرگذار باشد. البته نباید این نکته را فراموش کرد که سخن گفتن از چهره‌های ملکوتی و انسانهای پاک و وارسته، روش و سبک خاصی را می‌طلبد و برای اجرای این برنامه‌ها باید با حقیقت قیام علی اکبر، الفبای فداکاری، راه، هدف و مقام او آشنا بود، برپایی سوگواری به طریق گوناگون برای حماسه آفرینانی چون وی یادآور شعائر شعور آفرین و مقدمه‌ای برای تقرب به خداوند و نزدیک‌ترین وسیله برای شستشو دادن روح و روان خویش در چشمه فضیلت و نوشیدن جرعه‌های حیات بخش از جویبار با صفای اهل بیت عصمت و طهارت (ع) خواهد بود. همچنین دست‌اندرکاران برنامه‌های سوگواری اعم از پدیدآورندگان متن سوغنامه‌ها، مجریان، هنرمندان و... باید خود آراسته به صفاتی باشند که حضرت علی اکبر (ع) و امثال او برای ترویج آن جام شهادت نوشیدند.

قرآن با صراحت تمام می‌گوید: **إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ** \* و به قول شاعر:

در این راه جز مرد راعی نرفت  
آن شد که دنبال داعی نرفت  
مپندار سعدی که راه صفا  
توان رفت جز در پی مُصطفا

فراموش نکنیم که حضرت علی اکبر (ع) در صف سپاهانی قرار داشت که حضرت امام حسین (ع) صرفاً به آرایش نظامی آنان و روی آوردن به تاکتیک‌های جنگی نپرداخت بلکه ایمان، عشق و عاطفه را با یکدیگر درآمیخته و همه آنان را در سرکوبی خصم درون و منکوب ساختن دشمنان موفق ساخته بود، همه توصیه‌های ائمه‌هدی و تلاشهای علمای شیعه در برپایی سوگواری برای شهیدان کربلا در این جهت بوده که ما از این شعله مقدس جان می‌گیریم و رنگ عاشورایی یافته و با این صیغه آسمانی احساس مسئولیت نموده و در اندیشه، عمل و رفتار پیام رسان کربلا باشیم. باید نیک دانست که کتاب کربلا بر رواق تاریخ شکوهمند اسلام می‌درخشد همان کتابی که شیرازه‌اش را با خون بسته‌اند و تمام اوراقش نیز در بحر خون شناورند و همواره در شیبی تیره و کویری آمیخته به اختناق ستاره‌هایش روشنایی می‌بخشند و هر کدام از آنان از سینه‌های پر صلابت خود حماسه و ایمان را فریاد می‌کنند و قفل غفلت را از دل‌های تیره که بر اثر گناه زنگ زده‌اند باز می‌کنند، عطر این شکوفه‌های سرخ که در شوره‌زار طف روئیده‌اند مشام جان‌ها را مُشک فشان می‌کنند. سخن گفتن از این قبیله قبله، ایمان را نوید می‌دهد، همان قبیله‌ای که روی افق تاریخ در سپیده‌دم بیداری ایستاده است و روی بلورهای اشک به افق‌های ایمان فکر می‌کند و در آرزوی بارورشدن جوانه‌ها و روئیدن ریشه‌ها لحظه شماری می‌کند.

#### از واقعه خوانی تا تعزیه

مصائب جانگداز حضرت امام حسین (ع) و اولاد و اصحابش در طول تاریخ شیعه همواره به صور گوناگون و در قالب‌های متنوع ارج نهاده شده است و یکی از مهم‌ترین عوامل برپایی و بزرگداشت مجالس تعزیت و عزاداری برای آن فداکاران نینوا تأکید و سفارش ائمه اطهار (ع) می‌باشد و بنا بر آنچه روایات و متون تاریخی معتبر گواهی می‌دهند آن ستارگان درخشان نیز خود بر اقامه این مراسم اهتمام می‌ورزیده‌اند.

این عزاداری‌ها بنا به مقتضیات زمان و مکان، سیاست‌های حکام وقت، آداب و رسوم مردم و سنت‌های قومی و امکانات موجود و میزان علاقه‌های مردم در اشکال نوحه‌خوانی، پرده‌خوانی، نقالی، دسته گردانی، سینه‌زنی، زنجیرزنی حضور خود را اعلام کرده‌اند. قرائن نشان می‌دهد واقعه‌خوانی از صورت بیان وقایع همچون داستان گوئی و از یک متن نثر ساده، به صورت نظم و گفتگو و محاوره منظوم تغییر شکل داده و همین روند ساختمان نمایشی تعزیه را با شکل کنونی خود پدید آورده است یعنی در ابتدا واقعه‌خوان یا تعزیه‌دار ضمن بیان واقعه، اجرای نقش تمامی شخصیت‌ها را خود عهده‌دار بوده است اما با گذشت زمان، واقعه‌خوانان متعدد شده و هر کدام نقش یکی از اشخاص را خوانده و سپس این

خوانندگان به پوشیدن لباس شخصیت‌ها، حمل سلاح، صورت‌سازی و نیز بهره‌بردن از وسایل لازم در صحنه تعزیه مبادرت نموده و به این ترتیب تعزیه سیر تکاملی خود را پیموده و به حالت امروزی خود رسیده است.

این واقعه‌ها به چند بخش منقسم می‌گردند، نخستین بخش آن پیش واقعه است که پیش آگهی لازم را به شتونده و مخاطب انتقال می‌دهد، دومین بخش، متن اصلی واقعه را تشکیل می‌دهد و در بخش پایانی نوحه برای سینه زدن، لمن فرستادن بر اشقیاء و توسل بر ارواح مطهر و معصومین مشاهده می‌گردد، این سه جز واقعه را کاملاً می‌توان در نسخه‌های تعزیه به وضوح دید. در مجالس اولیه و در بدو امر ذکر مصائب کربلا به صورت نثر بوده که کتبی از این حیث چه مخطوط و چه مطبوع کم نیست. به مرور زمان برای تأثیر بیشتر، از سوی شاعران صاحب ذوق شرح مجالس به صورت شعر تجلی کرده است و نظمی در خور و دلنشین حادثه و واقعه را تشریح و تبیین می‌کرده که گذشت زمان نقش بزرگی در این تحولات داشته است. آقای صادق همایونی از تعزیه پژوهان معاصر از بررسی چندین بیاض و اشعار مندرج در آن‌ها نتیجه می‌گیرد که خواندن واقعه خود تعزیه تلقی می‌شده و اصطلاح تعزیه‌خوانی در حقیقت همان واقعه را شامل می‌گردیده و لفظ تعزیه با گذشت زمان مترادف واقعه شده است.<sup>۵</sup>

اما درخصوص متون تعزیه‌ها و چگونگی تلویح و تنظیم آنها باید خاطر نشان نمود عوامل گوناگونی در پدید آمدن آنها دخالت داشته‌اند، دست‌اندرکاران این نسخه‌ها به جای مراجعه به متون اصیل و توجه به سیره عملی اهل بیت (ع) و آشنایی با فلسفه قیام کربلا به منابعی استناد کرده‌اند که آغشته به تحریف و مضامین سست و بی‌پایه بوده‌اند، همچنین از افسانه‌ها و اسطوره‌های قبل از اسلام و آداب و رسوم ایرانی تأثیر پذیرفته‌اند، اشخاصی کم‌سواد نیز در این متون دست برده‌اند و اشعاری را بدانه‌افزوده و یا کم کرده‌اند و در این برنامه به ارزشهای دینی، دیدگاههای سازنده ائمه و توصیه‌های علمای شیعه توجه نداشته‌اند البته از شرایط نامطلوب اجتماعی و تلقی عوامانه از جهان و کیفیت حیات انسانی در عصری که می‌زیسته‌اند متأثر بوده‌اند، آنهایی هم که بضاعت فرهنگی و علمی و توانایی لازم برای غنابخشی این متون را داشته‌اند و مفاهیم ارزشمند را درک می‌کرده‌اند، یا از این برنامه‌ها دور نگاه داشته می‌شدند و یا این که اعمال نظر سلاطین و حکام داخلی که از روشنی و آگاهی مردم، مدام در هراس به سر می‌برده‌اند، آنان را از این اصلاحات و تحولات بازمی‌داشته است، این روند از یک سو بر کیفیت تعزیه و از سوی دیگر بر تلقی مردم از آن اثر منفی گذاشته است تا جایی که خاصیت انتقال مفاهیم رشددهنده و حماسه آفرین را به مستمعین سلب کرده و آنچه به اجرا در می‌آمده نه تنها از فرهنگ قرآن و عترت فاصله داشته بلکه در مواقعی در تعارض و تباین با فلسفه اسلامی و اهداف مقدس این آیین بوده است.

در یک نسخه خطی از تعزیه حضرت علی اکبر (ع)، امام حسین (ع) پس از گریستن و وداع با اهل بیت خود، بر ذوالجناح سوار می‌شود و در این حال این مصرع را بر زبان جاری می‌سازد.



شوم فدای توای سرو گلشن ایچاد  
 پیاده شو که علی اکبر فدایت یاد  
 ز یک طرف حرمت جامه سیه در بر  
 ز داغ قاسم و عباس دست‌ها بر سر  
 ز یک طرف علی اصغر فتاده غش کرده  
 سکینه سوخته از بس که العطش کرده

امام در جواب علی اکبر از وی خواست فغان نکند و سکینه را پهلوی  
 بپایش بنشانند و به سوی مدینه برود و خواهر خود را بیش از این در انتظار  
 نگذارد. علی اکبر نپذیرفت و عرض کرد:

پاپا به خدایت که دگر تاب ندارم

بگنار که جان را به فدایت بسپارم

چون امام بی‌قراری فرزند را دید ناچار به شهادت او رضایت داد.  
 آنچه که در این تعزیه روایت شده در متون تاریخی مربوط به کربلا  
 و نیز کتب مقتل که اعتباری دارند دیده نمی‌شود و اصولاً دلیل جنگیدن  
 علی اکبر با اشقیای حمایت از ساحت مقدس امامت و پاسداری از ارزش‌ها بوده  
 نه آن که هدف اصلی او به دست آوردن قطره‌ای آب برای سکینه باشد.

#### شناسایی شبیه‌نامه‌های حضرت علی اکبر(ع)

در مورد چگونگی مبارزات و شهادت حضرت علی اکبر(ع) چندین  
 مجلس تعزیه نوشته شده که با یکدیگر به لحاظ محتوا و سبک  
 تفاوت‌هایی دارند. تعزیه نامه هیجدهم مجموعه نسخه‌های الکساندر  
 خودزکو (۱۸۰۴-۱۸۹۱) ایران‌شناس اهل لهستان که به زبان فارسی هم  
 ترجمه شده به شهادت حضرت علی اکبر(ع) تعلق دارد. ۶۰ پس از خودزکو  
 (خوجکو) سرلوتیس پلی (COLONEL SIR LEWIS PELLY)  
 ایران‌شناس انگلیسی در دوره ناصرالدین شاه از طریق شنیدن، ۳۷ مجلس  
 تعزیه را جمع‌آوری کرد که مجلس هفدهم آن به شهادت حضرت  
 علی اکبر اختصاص دارد. یادآور می‌شود وی از سال ۱۸۶۳ میلادی به بعد  
 مدت یازده سال در جنوب ایران زندگی کرد و چنان از نمایش‌های محرم  
 متأثر شد که اثری دو جلدی در این باره به نام شبیه‌خوانی حسن(ع) و  
 حسین(ع) نوشت که در سال ۱۸۷۹ میلادی در لندن چاپ گردید. گوینو  
 این مجالس تعزیه را از زبان سنتی رایج فارسی به انگلیسی مصنوع دوره  
 ویکتوریایی ترجمه کرد.<sup>۲</sup>

اولین آمریکایی که نخستین مقاله را دربارهٔ تئاتر ایرانی نوشت  
 ساموئل گرین ویلز بنجامین سفیر آمریکا در ایران می‌باشد که در زمستان  
 سال ۱۸۸۲ میلادی توسط کشتی عازم ایران گردید و به حضور ناصرالدین  
 شاه رسید.<sup>۳</sup> شرح مفصل او از تکیه دولت برای مطالعه و بررسی تعزیه از  
 اهمیت وافری برخوردار است، او نه تنها سفیر بلکه نویسنده چندین کتاب  
 دربارهٔ هنر عصر خود در اروپا و آمریکا بود و وصف وی از تئاتر مذهبی ایران  
 به لطف تحصیلاتش در هنر و نقدنویسی، ابعاد مختلف و مهم کار او را  
 آشکار می‌سازند.<sup>۴</sup>

وی با چنین دیدگاهی گزارشی از مجلس شبیه‌خوانی علی اکبر که  
 خود شاهدش بوده آورده که در بخشی از آن آمده است:

«بس است جور فلک بیش از این میازارم»!!  
 یا آن که از زبان آن سیدشهبندان در همین تعزیه آمده است:  
 باید که جان سپارم خواهر به زیر شمشیر  
 حکم قضا چنین شد، تقدیر را چه تدبیر!!  
 و در جایی از زبان علی اکبر(ع) گفته شده است:  
 به تنگ آمده جانم ز زندگانی خویش

به حیرتم من بیبل ز سخت جانی خویش!!

اگرچه شاعر در صدد بوده تا با آوردن این مضامین در متن تعزیه  
 میزان مصیبت و بار اندوه را سنگین و غلیظ کند و دل شنونده و بیننده را  
 به تأثر و سوز و گداز وادارد ولی بیان این‌گونه مفاهیم از زبان امام  
 حسین(ع) و فرزندش نه تنها غیرممکن است بلکه خلاف می‌باشد و  
 کیفیت قضا و قدر و فلسفه مرگ و زندگی در جهان‌بینی خاندان عصمت  
 و طهارت با آنچه که در این سروده‌ها مطرح شده، مغایرتی آشکار و  
 غیرقابل اغماض دارد.

در همین نسخه تعزیه ادعا شده است بعد از شهادت قاسم، امام  
 حسین(ع) مشاهده کرد که کسی جز علی اکبر(ع) را ندارد، در این وقت  
 اهل بیت خود را فراخواند و خطاب به آنان فرمود:

ای بانوان حرم و خواهران من، برادران، فرزندان و اصحابم کشته  
 شدند، امروز نوبت من است که جان را فدا کنم. حضرت زینب (س) وقتی  
 این سخن را شنید، به سوی برادر شتابان رفت و دست برگردن امام  
 انداخت و زارزار می‌گریست و می‌گفت:

ای کرب و بلا روز مرا کردی شب

از بهر حسین روانکرده مطلب

در چشم عدو برادرم خوار شده

ای کرب و بلا خاک به فرق زینب؟!

و در حالی که امام مشغول وداع با اهل بیت(ع) بود یکی از اشقیای در  
 حالی که جام آبی بر دست داشت به سوی حضرت آمد، چون سکینه سر  
 از خیمه بیرون کرد و نظرش به جام آب افتاد، که آن ملعون در دست  
 داشت، گریه‌کنان نزد مادرش - شهربانو - رفت و از تشنگی نالید و گفت:

مادر به خدا که جان من سوخت

از تشنگی استخوان من سوخت

آن مرد ببین که آب دارد

بر گو ز برای من بیارد

مادرش در جواب او گفت:

آبی که به دست آن جوان است

او هم ز گروه کوفیان است

علی اکبر(ع) که دید سکینه دامان مادر گرفته و آب می‌خواهد هر دو  
 دست بر سر زد و پیشی دوید و دست خواهرش را به سوی خود کشید و  
 گفت بیا تا من تو را نزد بابام ببرم شاید چاره‌ای کند، سپس سکینه را در  
 آغوش گرفت و به خدمت پدر آمد و عنان مرکب آن حضرت را گرفت و  
 گفت:

## نامشخص

شماره ۳۰۶، نام مجلس: محمد حنفیه (آمدن علی اکبر به جانب فاطمه صغری در مدینه)، ورود مدینه، کتاب آن محمداکظم جعفر آقابری در یکی از روستاهای دماوند است.

شماره ۳۳۷، نام مجلس: «وفات سدیف غلام علی اکبر». این نسخه در اصفهان نوشته شده است.

شماره ۳۶۹، نام مجلس: «خواب دیدن فاطمه صغری علی اکبر را» (و درد دل گفتن به یکدیگر و تصدق دادن به سائل، محل تحریر اصفهان بوده است.

شماره ۴۷۷، نام مجلس: «شبیخون زدن حضرت عباس و علی اکبر و قاسم» (به لشکر ستم در شب عاشورا بدون اطلاع امام حسین (ع) و حاضر شدن آنان به علم امامت) مکان تحریر: اصفهان

شماره ۵۰۶، نام مجلس: «علی اکبر» (جدید است و با دیگر نسخه‌ها تفاوت دارد)

شماره ۵۴۳، نام مجلس: علی اکبر (مضمون این مجلس با دیگر نسخه‌ها متفاوت است) و در مازندران تحریر گردیده است.

شماره ۶۴۰، نام مجلس: شهادت علی اکبر. غلامحسین صابری با همکاری علی آقا صابری این مجلس را در کاشان تحریر نموده‌اند.

شماره ۷۱۱، نام مجلس: شهادت علی اکبر، این نسخه به زبان ترکی است و میر غم در مسجد خالدآباد ورامین تحریر کرده است.

شماره ۱۰۴۰، نام مجلس: شهادت علی اکبر با فدایی خود یعنی غلام ترک. اصل این نسخه مربوط به اردبیل است که احمد رضایی در تهران از روی آن نسخه‌ای تهیه کرده است.

شماره ۱۰۴۹، نام مجلس: شهادت علی اکبر که در اردبیل به زبان ترکی نوشته شده است.

شماره ۱۰۵۴، آب آوردن علی اکبر که حسین کریمی فرزند مشهدی ابراهیم محرر آن می‌باشد. این مجلس هم به زبان ترکی تنظیم شده است.<sup>۱۳</sup>

آندره زیچ ویرث که در سال ۱۳۵۵ هـ. ش در شیراز نظاره‌گر تعزیه حضرت علی اکبر (ع) بوده در معرفی این شبیه‌نامه نوشته است: در تعزیه حضرت علی اکبر (ع) خطابه از طریق پیش درآمد گُرنازنانی که از پشت بیت (حسینیه) یا راه عبور (دروازه تکیه) وارد می‌شوند شکل می‌گیرد. همسرایی آغازین نوازندگانی که از طریق بیت وارد می‌شوند بر سکوی نمایش حسینیه خوانده می‌شود. این نوازندگان در صفی جدا از هم تنها معرف اولیا هستند. هموایی آنان به صورت خطابه‌ای رثائی و فرازبان ارائه می‌شود ولی مخالف خوان‌ها در حالی که بیکره‌های بی‌حرکت ایفاگران نقش اهل بیت امام حسین (ع) را نبود می‌انگارند بیت او را مخاطب قرار می‌دهند...»<sup>۱۴</sup>

علاوه بر شبیه‌نامه‌هایی که بدان‌ها اشاره کردیم و برخی از اروپاییان از آنها گزارشی ارائه داده‌اند مجالس ذیل شناسایی شده‌اند:

۱- مجلس شهادت حضرت علی اکبر (ع) که در سروستان - از توابع استان فارس - اجرا می‌گردد و صادق همایونی آن را در کتاب فرهنگ

«... شبیه علی اکبر با آواز رسا و بسیار تاثرانگیزی اشعاری را خواند. صدای او فوق‌العاده حزن‌انگیز بود. شبیه علی اکبر با کسب اجازه روانه ساحل رودخانه فرات شد و صدا و فریاد گریه و شیون از گوشه و کنار تکیه بلند شد... در این موقع اسب سفید رنگ و زیبایی وارد صحن تکیه شد شبیه علی اکبر با شبیه امام حسین و شبیه زینب خداحافظی کرده و سوار این اسب شد تا به مأموریت خطرناک خود برای آوردن آب از رود فرات برود. هنوز شبیه علی اکبر با اسب خود چند قدمی جلو نرفته بود که ناگهان از اطراف چند نفر مسلح سوار بر اسب و پیاده ظاهر شدند و به تعقیب شبیه علی اکبر پرداخته و دور سکوی وسط تکیه به اسب دوانی پرداختند... پس از چند دور اسب دوانی و زدوخورد با شمشیر شبیه علی اکبر در حالی که به وسیله اعراب بدوی و شمشیر، به دست (اشقیا) محاصره شده بود از یکی از راههای خروجی تکیه بیرون رفت و دیگر به صحن تکیه بازنگشت زیرا بر اثر ضربات شمشیر از اسب فروغلتیده بود...»<sup>۱۵</sup>

اوژن اوپن (Eugene Aubin) نویسنده مورخ و سیاستمدار فرانسوی که از سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۷ م. سفیر فرانسه در ایران بود، از تعزیه‌هایی که در آن زمان در ایران اجرا می‌شده گزارشی تهیه کرده است و می‌گوید در هفتمین روز از ماه محرم تعزیه شهادت علی اکبر به نمایش درآمد.<sup>۱۶</sup>

ویلهلم لیتن (Wilhelm Litten) ایران‌شناس آلمانی پانزده مجلس تعزیه را گردآورده که عیناً تحت عنوان نمایش در ایران به کوشش فردریک روزن در سال ۱۹۲۹ میلادی در برلن چاپ شده است، یان رییکا که این مجموعه را مورد بررسی قرار داده می‌گوید چهارده مجلس از این مجموعه مربوط به سالهای ۱۸۳۱-۱۸۳۴ میلادی است، در مجموعه لیتن مجلس شهادت علی اکبر دیده نمی‌شود ولی در برخی از این مجالس شبیه علی اکبر (ع)، حضور دارد به عنوان نمونه در تعزیه ذیح اسماعیل (ع) توسط ابراهیم (ع) گریزی به کربلا زده می‌شود و ماجرای شهادت علی اکبر گوشزد می‌گردد.<sup>۱۷</sup>

در مجموعه انریکو چرولی هزار و پنجاه و پنج نسخه خطی تعزیه یعنی بزرگترین مجموعه تعزیه در جهان دیده می‌شود، این نسخه‌ها طی سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۵۰ م. توسط انریکو چرولی (Enrico cerulli) سفیر ایتالیا در ایران جمع‌آوری و به کتابخانه واتیکان در ایتالیا اهدا شده است، اگرچه این شبیه‌نامه‌ها از سوگ آدم تا غم بنی آدم سخن می‌گویند اما محور اساسی تمامی این نسخه‌ها شهیدان کربلاست، در این مجموعه عظیم چندین مجلس در خصوص حضرت علی اکبر دیده می‌شود:

شماره ۴۹، با عنوان «شهادت علی اکبر» به زبان ترکی که مَحَرَّر یا کاتب آن غلامحسین شرف‌زاده است.

شماره ۱۵۱، با نام «آب آوردن زنان و شهادت علی اکبر» که کاتب آن مشخص نمی‌باشد.

شماره ۲۰۹، با نام «مجلس شهادت علی اکبر» (دختر مصری) آمدن فردی عرب به نزد علی اکبر (علی اکبر در عالم رویای دختر مصری)<sup>۱۸</sup>:

کاتب محمدحسین آقا

شماره ۲۴۹، نام مجلس «جنگ نمودن علی اکبر با اشقیا» محرر:

مردم سرورستان آورده است.

۲- مجلس تعزیه حضرت علی اکبر که در بخش خور از توابع شهرستان نائین خوانده می‌شود و آقای دکتر مرتضی هنری آن را در کتاب «تعزیه در خور» درج کرده است.

۳- مجلس تعزیه شهادت حضرت علی اکبر که در آبادی دربندسر واقع در پنجاه کیلومتری تهران به نمایش در می‌آید و آقای حسن صالحی راد در کتابی تحت عنوان مجالس تعزیه آن را ضبط کرده است.

۴- مجلس تعزیه شهادت شاهزاده علی اکبر که به همراه تعزیه شهادت غلام ترک در تهران توسط شرکت نسبی کانون کتاب در سال ۱۳۳۰ ه. ش. چاپ شده است.

۵- مجلس تعزیه شهادت علی اکبر سروده سیدمصطفی میرعزا که در مناطق کویری ایران از جمله کاشان، بادرود و زواره مورد استفاده تعزیه‌خوانان قرار می‌گیرد و استاد حاج سیدعبدالعلی فنا توحیدی (برادر استاد محیط طباطبایی) نسخه‌ای منقح و اصلاح شده از آن را تحریر نموده که رونوشتی از آن را در اختیار نگارنده قرار داده‌اند.

۶- مجلس تعزیه شهادت حضرت علی اکبر که در منطقه اردبیل اجرا می‌شود و استاد دکتر جابر عنصری در آثار و مقالات خویش نمونه‌هایی از آن را معرفی کرده‌اند.

۷- مجلس تعزیه شهادت علی اکبر که در منطقه کیار از توابع شهرستان شهرکرد خوانده می‌شود و نگارنده آن را تدوین و تنظیم کرده‌ام و نسخه‌ای از آن را در اختیار دارم.

۸- مجلس تعزیه دختر مصری و شهادت حضرت علی اکبر سروده شده توسط محمدعلی رجایی زفرهای که توسط فرزند فاضلش محمدحسن رجایی زفرهای استنساخ گردیده است.

۹- مجلس تعزیه شهادت علی اکبر نسخه شهرستان کازرون که یکی از پژوهشگران این منطقه (مهدی مظلوم‌زاده) به تنظیم و تدوین آن مبادرت نموده است.

۱۰- مجلس تعزیه شهادت علی اکبر که در شهرستان اراک اجرا می‌گردد.

#### ارزیابی نسخه‌ها

به روایت سرایندگان متون تعزیه، علی اکبر با آن قامت رعنائش، مشعل شیبستان نکویی، دارای اقلیم خوبرویی و فرمانده سپاه کشور جوانان کوی شهادت، سرخط نوحطان لوح سعادت، سرو بوستان شیدایی و گل گلستان زیبایی است. علی اکبر در جهت فراهم‌سازی همراهان پدرش برای هجرت به مکه از مدینه در تب و تاب است، هنگامی که بتناشد این سپاه مقدس از مکه به سوی کوفه رهسپار شوند و مقرر گردید در زمین نینوا خیمه بزنند و برای جانبازی مهیا گردند، امام حسین به چاووش کربلا یعنی حضرت علی اکبر مه‌لقا فرمود که در کوچه‌های مکه ندا کند و اصحاب و انصار را خبر نماید که عزم هجرت داریم هرکس که عشقیاز کربلاست به قافله عاشقان خدا بیبوند. اکبر ملک سیما چاووش‌وار ندا داد که کی موالی، موسم فصل بهار کربلاست

لاله باید چید هرکس داغدار کربلاست

کرده عزم کربلای پر بلا بایم حسین

موسم یاری است، هرکس جان نثار کربلاست

چون خیمه‌های اباعبدالله خارستان کربلا را به گلستان مبدل نمود

حضرت علی اکبر (ع) در کنار عموی علمدارش ابوالفضل و پسر عمویش

حضرت قاسم، زره بر تن، شمشیر بر دست و کلاهخود بر سر، نگاهیان

خیمه مطهر سومین فروغ امامت شدند.<sup>۱۶</sup>

تقریباً در تمامی نسخه‌های تعزیه حضرت علی اکبر (ع) قبل از آغاز

متن اصلی، سرودی سوزناک دیده می‌شود که به پیش‌خوانی یا درآمد

موسوم است، نوع این اشعار که به صورت همسرایی توسط تعزیه‌خوانان

به اجرا در می‌آید صرف نظر از محتوای آن بیانگر آن است که تعزیه از

نوجه‌خوانی و گزارش واقعه الهام گرفته و شکل تکامل یافته‌ای از نوجه‌ها

در متن تعزیه توسط نقش‌های متفاوت به زبان حال خوانده می‌شود.<sup>۱۷</sup> از

نظر محتوا و پیام متن منظومی که در همسرایی خوانده می‌شود، می‌توان

آن را یک سروده بزمی نامید در حالی که این‌گونه اشعار باید حال و هوای

رزمی و حماسی داشته باشند و احتمالاً تعزیه‌نویسان برای ایجاد غم و

اندوه و افزایش تأثیر در عزاداران به این شیوه روی آورده‌اند. نمونه‌ای از

پیش‌خوانی در این تعزیه:

نوجوان من مهربان من

داده‌ای زینت قد و بالا را

من به قربان طاق ابرویت

نامزد مانده دختر عمویت

مُشک می‌ریزد تار گیسویت

می‌کنی مجنون‌ام لیلا را<sup>۱۸</sup>

چگونگی آغاز تعزیه در شبیه‌نامه‌های مذکور با یکدیگر تفاوت‌های

بازری دارند. در مجلس تعزیه‌ای که در منطقه چهارمحال و بختیاری اجرا

می‌شود پس از هم‌آوردگی یکی از اشقیای، حضرت امام حسین (ع) از

خواهرش زینب می‌خواهد تا علی اکبر را فرابخواند و در آن لحظات آخر

سیمای فرزند را مشاهده کند و به جدال با ستمگران بپردازد که علی اکبر

در این دیدار از پدر رخصت رزم می‌گیرد و پس از گفتگوهای طولانی با

پدر، مادر و عمه‌اش و روبرو شدن با خواهرش سکینه به صحنه جنگ

می‌رود و به شهادت می‌رسد.

در نسخه‌ای که استاد دکتر جابر عنصری معرفی کرده، در سپیده‌دم

عاشورا امام با قوت قلب و با توسل به حضرت پروردگار و در راه ایمان و

عشق جاودان به دستان مبارک خود کفن بر قامت علی اکبر می‌پوشاند و

از خداوند می‌خواهد این قربانی را از او بپذیرد، علی اکبر پس از آن که برای

جنگیدن با گروه اشقیای از پدر اذن می‌گیرد با حضرت قاسم (ع) روبرو

می‌شود. حضرت قاسم:

کجا رواست که من زنده باشم ای اکبر؟

روی به جانب میدان لشکر کافر

دمی بایست که تا من شوم فدای حسین

که تشنه کشتن من گشته است واجب عین

به جوانش می‌فرمود: علی جان برایم قرآن بخوان تا محظوظ گردم.<sup>۳</sup> اهل خيام حرم امام حسین(ع) در زمان وداع امام با علی اکبر(ع) قرآن بر سر می‌گیرند و به دعا می‌پردازند و در حالی که قرآن بر دست گرفته‌اند از توجه حضرت حق به آن شیر بیشه میدان شجاعت یاد می‌کنند و آن راهی مهلکه جنگ را بدرقه می‌نمایند و با هم فریاد می‌دارند:

الله اکبر این دم، اکبر رود به میدان

او را محافظت کن یارب به حق قرآن  
این جاست که از یاب تذکر روزهایی که علی اکبر در مدینه با قرآن  
الفت داشته است خطاب به وی می‌گویند:

کتاب و رحل و قرآنت برم بهر رفیقانت

به قربان قلمدانت، برو آهسته آهسته

علی اکبر جواب می‌دهد:

کتاب و رحل قرآنم ببر بهر رفیقانم

الا ای بهتر از جانم، روم آهسته آهسته<sup>۴</sup>

۴- یکی از علائم نمادین در این تعزیه سینه‌زنی شبیه علی اکبر است که از حضار در مجلس می‌خواهد با او در این برنامه همگام باشند. آندره ژییج ویرث بارزترین نمونه برای شناخت ساخت نمایش تعزیه را همین علامت نشانه‌شناختی می‌داند و می‌نویسد:

«... این عمل [سینه زنی] تدریجاً صورت نشانه ادایی و نمایشی به خود می‌گیرد و به حرکت و بیان صوتی بازیگران منجر می‌گردد. پس از آن که سینه زنی از حالت دستور صحنه‌ای به علامتی نمایشی تبدیل می‌شود رفته رفته سراسر حسینیه را در برمی‌گیرد تا این که به صورت عمل نمادین همه تماشاگران را یکپارچه نموده و آنها را به شرکت کنندگان در تعزیه تبدیل می‌سازد در این لحظه نوای سینه زنی گسترده حسینیه بر صحنه حاکم می‌شود و به عنوان زمینه‌ای قدرتمند منجر به حرکت نمایش و سوگواری شبیه خوانان می‌شود اکنون حسینیه صحنه گردان است...»<sup>۵</sup>

۵- حضرت علی اکبر(ع) به هنگامی که روبروی صف مخالفان قرار می‌گیرد به نصیحت آنان می‌پردازد:

خوش دلی ای شمردون از بهر ملک و مال ری

وعده‌اش در آخرت هم آتش سوز استی

دل میند بر مال دنیا ای لعین زشت‌خو

نامید در آخرت از سایه طوباستی

شافع روز جزا باشد محمد بالیقین

صاحب خلق عظیم و سرّ ما اوحی ستی...<sup>۶</sup>

۶- با وجود آن که حضرت زین العابدین(ع) از لحاظ سنی کوچکتر از

اوست به دلیل مقام امامتش علی اکبر او را تکریم می‌کند:

تو امامی و شوم من چاکرت

تو علی مرتضی من قنبرت

در مجلس تعزیه‌ای که در شهرستان سروستان مورداستفاده شبیه‌خوانان قرار می‌گیرد، شبیه امام حسین(ع) از خواهرش زینب می‌خواهد که ام لیلا - مادر علی اکبر - را به نزد او حاضر کند او نیز می‌آید و اعلام می‌کند که حاضر است نوجوانش را قربانی عزاداران حسینی کند با وجود اشکالات فراوان که در متون این تعزیه نامه‌ها مشاهده می‌گردد و غیرقابل اغماض است می‌توان محاسنی را در آنها مشاهده کرد:

۱- شبیه علی اکبر به عنوان جوانی که شوق شهادت دارد برای دفاع از حریم اهل بیت عصمت و طهارت(ع) در برابر صف اشقیای قرار می‌گیرد و هویت خاندان خویش را در مقابل اشرار و سپاه باطل مشخص می‌کند و نفرت خویش را از ظلم و بی‌عدالتی اعلام می‌دارد:

ایا ظالمان ز حق بی‌خبر

برون رفته از دین خیرالبشر

هر آن کس شناسد شناسد مرا

هر آن ناشناسی شناسد مرا

منم آن که جدم رسول خداست

که سر خیل و سر حلقه انبیاست

منم آن که بر سروران سرورم

شبیه پیمبر علی اکبرم

۲- از جنبه‌های جالب و پر جاذبه در این مجالس آن است که اشقیای به خوبی اولیا اعتراف دارند و به تکریم مقام حریم آل اطهار می‌پردازند و بر فرماندهان و حاکمانی که از آنان برای جنایت کربلا دستور گرفته‌اند لعن و نفرینی می‌فرستند و این نکته موید آن است که افراد مخالف خوان هم خویش را شبیه عزادار می‌دانند و می‌خواهند به نحوی از نقش نفرت بار اصلی خویش فاصله گیرند، شمر در آغاز تعزیه حضرت علی اکبر(ع) خطاب به امام حسین(ع):

ای سومین امام به حق ای ولی حق

ای قدر تو ربوده ز ارض و سما سبق

الحق حقی و حق ز تو دانیم ما تمام

جد تو حق و باب و برادر حق و تو حق

لیکن بهای خون تو را بی‌خرد یزید

زر می‌کند نثار به لشکر، طَبَقْ طَبَقْ

شبیه ابن سعد:

عراقی، شامی و کوفی، سپاه ملحد کافر

مُحِب آل بوسفیان و خصم آل پیغمبر

به این خیل سپه مامور از نزد یزیدم من

در این صحرا بنای جنگ داریم با دشمن

۳- علی اکبر(ع) با قرآن انس وافری داشته و این کتاب آسمانی و کلام وحی را که بر جانش نازل گردیده نیکو تلاوت می‌کرده و گویند چون دل امام حسین(ع) برای صوت قرآن رسول اکرم (ص) تنگ می‌گشت

امام: حدیث را بگو ای گل عذارم  
 علی اکبر: پسر کرد از وفا قربان معبود  
 امام: از این گفتار، برگو چیست مقصود  
 علی اکبر: تو هستی چون خلیل الله ثانی  
 امام: علی اکبر تو هم آرام جانی  
 علی اکبر: بود این جا منی و من ذبیحم  
 امام: بلی باشد یقین و هم صریحم...

علی اکبر:

جان پدر کار خلیل خدا مگر  
 آگه ننی چو کرد با نوجوان پسر  
 تو چون خلیل من چه ذبیح از قفای تو  
 اذمن بده که جان بنمایم فدای تو...  
 امام حسین خطاب به علی اکبر:

بر مشام پدرت، حال رسد بوی فراق

من چو یعقوب، تو چون یوسف گل پیرهنی

علی اکبر:

خوب تقریر نمودی تو کلام کهنی  
 من چو یوسف تو چو یعقوب کشنده مجنی  
 و در جای دیگر:

ای به درگاه تو یوسف ز غلامان حقیر  
 غم چه داری ز برای کمی یار و نصیر  
 ام لیلی:

یا حسین آن یوسف کتعی من رفت رفت  
 آن عصای پیری من از کف من رفت رفت

نمونه دیگر:

گریه کن ای شیعه هر صبح و مسا  
 بهر اکبر یوسف کرب و بلا

۹- حضرت امام حسین (ع) درباره علی اکبر (ع) فرموده‌اند:

اللهم اشهد علی هولاء القوم فقد برز الیهم غلام اشبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسولک محمد (ص) کنا اذا اشتقنا الی وجه رسولک نظرنا الی وجهه<sup>۳۳</sup> یعنی خدایا گواه باش بر این قوم که جوانی به جنگ آنان شتافت که از نظر خلق، خلق و گفتار شبیه‌ترین افراد به پیامبرت بود، عادت ما بر این بود هرگاه شوق دیدار پیامبرت را می‌یافتیم به چهره او می‌نگریستیم. این فرمایش امام حسین (ع) در خصوص سیمای حضرت علی اکبر (ع) مورد الهام تعزیه‌سرایان قرار گرفته و در متون تعزیه‌ها راه یافته است. امام وقتی جوانش را مشاهده می‌کند می‌گوید:

به به از این رو که چون روی محمد می‌کند

دهر آرای می‌کند چو شمس در نصف النهار

و چون علی اکبر به محضر پدر می‌رسد و پس از عرض سلام به

تکریم امام می‌پردازد، امام در پاسخ فرزندش می‌گوید:

کن مرخص تا شوم قربان تو  
 جان کنم ایثار جسم و جان تو  
 آنچه رأی تو بود کن به فدایت تکرار  
 من کمینه بندهام، چاکرم و خدمتکار  
 آنچه دلخواه تو باشد بمن زار بگو  
 که ز حکم تو تخلف نکنم یک سر مو...

۷- ضمن آن که در مجالس تعزیه مربوط به پیامبران که قبل از تاریخ کربلا می‌باشد یادی از شهیدان کربلا می‌شود، مصایبی که بر آن فرستادگان الهی می‌رود در مقابل حوادث المناک کربلا کوچک جلوه داده می‌شود. در مجلس تعزیه یوسف (ع) وقتی یعقوب از وضع فرزندش خبری نمی‌یابد و از بابت فقدان او در تب و تاب است جبرئیل حادثه کربلا و خصوصاً شهادت علی اکبر (ع) را به وی نشان می‌دهد و چون یعقوب این وضع ناگوار را مشاهده می‌کند غم جدایی فرزند را به بوتة فراموشی می‌سپارد:

ای خداوند کریم لایزال

از غم یوسف بُدم دل پر ملال

لیک داغ این جوان هاشمی

بُرد داغ یوسفم را از نظر

شیعیان نالید هر دم زار زار

از برای اکبر نسیرین عذار

در مجلس تعزیه حضرت ایوب (ع) نیز ماجرای شهادت علی اکبر به ایوب تذکر داده می‌شود و او بادیدن حوادث کربلا ناگواری‌های خویش را فراموش می‌کند و می‌گوید:

خدا به داد اسیران کربلا برسد

خدا به داد شهیدان نینوا برسد

چه حال داشت خدای مادر علی اکبر

در آن دمی که جوانش روانه شد به سفر  
 در تعزیه جرجیس، بیک آسمانی از آن نبی می‌خواهد که از میان دو انگشت وی به وقایع کربلا بنگرد او در ضمن مشاهده آن رویدادهای تأسف بار احوال و مشخصات هر کدام از شهیدان کربلا را می‌پرسد از جمله به جبرئیل می‌گوید:

بگو ز کیست همان نعش همچو قرص قمر؟

او جواب می‌دهد: شبیه رسول خدا علی اکبر

۸- در تعزیه علی اکبر (ع) از زندگی پیامبران الهام گرفته شده و حضرت علی اکبر به اسماعیل (ع) ذبیح و یوسف (ع) تشبیه گردیده است. علی اکبر به هنگامی که می‌خواهد عازم میدان جنگ شود، داستان ابراهیم خلیل را گوشزد می‌کند:

علی اکبر: پندرجان مطلبی دارم به پایت

امام: بگو بابا شود جانم فدایت

علی اکبر: حدیثی از خلیل الله دارم

السلام‌ای که به رخ شبه رخ جد منی  
در شجاعت تو چو یابم شه خبیرشکنی  
و در نمونه‌های دیگر شبیه امام خطاب به شبیه علی اکبر (ع) گفته  
است:

بر سلام تو علیک ای نورچشم حیدری  
ای که از روی تو تابد پرتو پیغمبری  
و در حالی که علی اکبر می‌خواهد به میدان رود پایش او را مورد  
خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید:  
زبان حال کنون ای شبیه پیغمبر  
کفن بیوش به تن، نوجوان علی اکبر  
علی اکبر در مقابل گروه اشقیاء خود را این‌گونه معرفی می‌کند:  
ای گروه ظالمان من نور چشم حیدرم  
شبه خیر المرسلینم یادگار حیدرم  
گروه مخالفان نیز در خصوص شباهت علی اکبر (ع) با هم گفتگویی  
دارند:

شمر می‌گوید: یابن سعد از چیست پیمبر به میدان آمده؟  
ابن سعد: نیست پیغمبر ولی شبیه پیامبر آمده  
شمر: یکی است شبه مصطفی ای مرد سیاه عالمین  
ابن سعد: شبه پیغمبر علی اکبر گل باغ حسین

به مکه اگر می‌نمودی تو مسکن  
در این دشت این‌گونه ویلان نبود  
و چون زینب می‌بیند شرایط آشفته و نگران‌کننده است به برادر  
می‌گوید:

گفتم که میا ز مکه بیرون  
عرضم نشیندی ای گل نور  
در نسخه تنظیم شده توسط میرزا نیز شبیه زینب می‌گوید:  
زینب بیچاره دادخواه ندارد  
رو به که آرد که جز تو شاه ندارد  
هرچه بگفتم مبر مرا به غریبی  
شمر لعین حرمتم نگاه ندارد  
آن وقت از زبان امام خطاب به خواهرش گفته می‌شود:  
شده وقتی که گردی خوار و رسوا  
میان کوچپه‌ها ای جان خواهر  
در ادامه شبیه زینب کشته شدن شش برادر را خیلی برای خود  
حقارت‌آمیز می‌داند:

خوش آن روزی که در شهر مدینه  
به هم‌ره بودمت با شش برادر  
کجا رو آورم زین ننگ یاران  
که در کوفه روم من بی‌برادر

آیا این اشعار با منطق اهل بیت (ع) سازش دارد و آیا ما اجازه داریم  
به آن حضرت و یاران عزیزش نسبت‌جواری و ذلت دهیم. اگر امام حسین (ع)  
می‌خواست بانوی قهرمان کربلا یعنی زینب خوار گردد، در برابر یزید  
تسلیم می‌شد ولی آن فروغ امامت نه تنها برای نجات خواهر بزرگ خود  
از خواری بلکه برای نجات اسلام و انسان‌ها از ننگ و ذلت آن فداکاری  
بزرگ و حماسه پرشکوه را ترتیب داد؛ درحقیقت چنین اشعاری این  
نهضت پرشکوه و حیانت‌بخش را عقیم می‌کند و از مسیر اصلی خودش  
خارج می‌کند. همچنین شهیدان کربلا نه نطفه شدند و نه خونشان هدر  
رفت و کسی که این‌گونه فکر می‌کند به ساحت مقدس امام حسین (ع)  
توهین کرده است. امام به همراه اولاد و یاران و اصحابش با نثار خون  
خویش یک مکتب حیات‌بخش بوجود آوردند و اگر ما از پرتوهای این  
حماسه فروغ بگیریم احساس عظمت و اقتدار پیدا می‌کنیم و امواج  
عزت‌بخش روح و روانمان را به سوی اهداف مقدس ارتقا می‌دهد.

۲ - آنگونه که شیخ مفید در «ارشاد» و سیدبن طاووس در لهوف  
آورده‌اند: وقتی حضرت علی اکبر خواست به میدان برود، امام بدون درنگ  
به وی اذن داد و به قول آیه‌الله جوادی آملی، علی اکبر با قلبی مطمئن به  
میدان نبرد رفت و حسین بن علی (ع) نیز با همان حالت فرزندش را اعزام  
کرد، حب امام نسبت به فرزندش مانع این اعزام نیست چون سراسر  
شبهستان دل امام مهر خداست و سراسر بوستان دل علی اکبر هم علاقه  
به حق است. پدر و پسر خدا را می‌طلبند به همین دلیل پسر با کمال  
اشتیاق از پدر برای جنگ با اشقیاء اجازه می‌گیرد و پدر هم در نهایت رضا،  
به وی اجازه می‌دهد. "اما «ملاحسین کاشفی» این ماجرا را به شکلی

#### آشفته‌گی در اشعار و مضامین و تحریفات آشکار

۱ - فاصله‌گیری از منابع مستند و معتبر به عنوان مراجع اصلی  
در تدوین شبیه‌نامه علی اکبر و نیز عدم توجه به سیره اهل بیت و روی  
آوردن به متون مخدوش و دخالت دادن آداب و رسوم ایرانی آنهم  
سنت‌های قبل از اسلام به این تعزیه‌نامه‌ها، به شدت مجالس تعزیه  
حضرت علی اکبر (ع) را همچون دیگر متون تعزیه آغشته به آفت‌های  
زیادی نموده و چون دست‌اندرکاران می‌خواسته‌اند صرفاً در مردم تأثیر ایجاد  
کنند از اهداف اصلی سوگواری که با هاله‌ای از قداست و معنویت توأم  
است، غافل گردیده‌اند و به عنوان زبان حال خاندان عترت اشعاری را مورد  
توجه قرار دادند که نه تنها بی‌پایه و اساس هستند و کتب مستند مهر تأیید  
بر آنها نمی‌زنند بلکه خلاف منطق امامان شیعه و ضد عقل و خرد سالم  
می‌باشد و نوعی اعتقادات خرافی، وهن‌انگیز و ذلت‌بار را ترویج می‌کند.  
حقایق مسلم تاریخی و نیز روایاتی که سیره امام حسین (ع) را ترسیم  
نموده‌اند تأکید دارند که آن حضرت در بحرانی‌ترین شرایط همان شکیبایی  
محتسبی است که حتی یک کلمه در خلاف مسیر هدایت قرآنی از زبان  
مبارکش خارج نمی‌شود و به رغم مصائب هولناکی که در پیش روی  
اوست و در حساس‌ترین مراحل توأم با خطر، لحظه‌ای آشفته‌گی در سیمای  
با صلابت او مشاهده نمی‌گردد و در این مواقع نیز سخنان و رفتارش از  
عظوفت و مهربانی و آرامش موج می‌زند اما در تعزیه حضرت علی اکبر از  
زبان حضرت زینب (س) این اشعار خطاب به امام خوانده می‌شود:

برادر تو هرگز بدین سان نبود  
بدین سان هراسان و نالان نبود



دیگر نوشته است:

«امام حسین چون دید که از یاران و برادران و خویشان کسی نمانده سلاح بر خود راست کرد که به میدان رود علی‌اکبر چون پدر را دید که قصد میدان دارد فرود آمد و در دست و پای او افتاد و گفت: ای پدر! هرگز مباد که من یک روز و یک ساعت بی تو در جهان باشم... امام حسین (ع) و خواهران و دخترانش از خیمه‌ها بیرون نوبده در دست و پای علی‌اکبر افتادند و در منع کردن محاربه داد مبالغه دادند امام نیز اجازت نمی‌فرمود و علی‌اکبر زاری و تضرع می‌نمود و سوگندهای عظیم به پدر می‌داد و قطرات اشک از چشمه چشم می‌گشاد...»<sup>۳</sup>

در مجالس تعزیه حضرت علی‌اکبر (ع) نیز با استفاده از این منبع مخدوش تأکید بر این است که امام مخالف به میدان رفتن علی‌اکبر (ع) است:

علی‌اکبر:

اَن دِه تا بکشم تیغ روم سوی جنال

ننهم یک تن از این قوم ستمکار دنی

امام:

راضیم دل نشود جان پدر کاندر دهر

دست و پا در یم خون در بر بایت بزنی

در نمونه‌ای دیگر شبیه امام خطاب به شبیه علی‌اکبر گوید:

ای علی‌اکبر محروم ز جان آمده سیر

کی توانم نگرم کشته‌ات از خنجر و تیر

من ز خود می‌گذرم لیک گنر از تو مجال

ره وسیع است پسر جان تو به خود سخت مگیر

تو جوانی و مرا آمده پیری نزدیک

حیف باشد تو جوان کشته، بمانم من پیر

علی‌اکبر می‌گوید:

شوم فدات پدرجان مرا چه تقصیر است

که هم، زمان فنا گشتیم به تأخیر است

و در جایی دیگر پدر را خطاب قرار داده و گوید:

نمی‌دهی ز چه ای باب اذن میدانم

فتاده آتش غیرت ز مهر بر جانم

و امام چنین جواب دهد:

جوان نوبرم ای سرو بوستان پدر

رضا نمی‌شوم از نزد من روی به سفر

علی‌اکبر از این بابت بسیار ناراحت است:

نه باب، اذن جهاد و نه این سعد امانی

به آن چگونه بسازم به این نظاره کنم

اگر کناره کنم نوجوانیم به چه کار

بباید آن که روم عرض خود دوباره کنم

پدر دل از علی‌اکبر بکن بخود میسند

که هر زمان به فرات این چنین نظاره کنم

وقتی علی‌اکبر مشاهده می‌کند که پدر هنوز اجازه حضور در میدان را

برای او صادر نکرده است، به خواهرش سکینه می‌گوید:

غصه و اندوه اکبر شد زیاد

ز آن که بابا اذن میدانم نداد

ای سکینه رو کلام الله بیار

تا روم نزد پدر با حال زار

امام هم وقتی می‌بیند علی‌اکبر پافشاری می‌کند به درگاه خداوند استغاثه می‌کند:

الله الله ای حی باری

اکبر ربه‌ده از من قراری

او اذن خواهد من دل ندارم

هوشم ز سر شد زین بردباری

به روایت تعزیه، امام نمی‌تواند حتی لحظه‌ای از علی‌اکبر جدا شود و

آرزو دارد جوانش روبرویش باشد:

ای پسر برگرد تا بار دیگر بینم تو را

باز برگرد ای پسر تا یک نظر بینم تو را

آرزو دارم روی پیش و بیایم از قفا

تا ببینم جان بابا قامت سرو تو را

بابا روان شو قَدت بینم

تو نوجوانی داغت نبینم

علی‌اکبر از این دل‌بستگی و وابستگی پدر ناراحت می‌شود و گویا کاسه

صبرش لبریز می‌گردد:

ای چندم به شهر دل ایالت می‌دهی

تا به کی از راه احسانم خجالت می‌دهی

با پسر هرگز پدر این نوع رفتار نکرد

کز ره کوچک نوازی استمالت می‌دهی!!

در برخی از این مجالس تعزیه شاهد نوعی تناقض هم هستیم زیرا

در آغاز، شبیه امام علی‌اکبر را برای رزم با اشقیاء فرامی‌خواند اما در ادامه

تعزیه پدر به پسر می‌گوید:

«نیست ای نور بصر وقت سفر کردن تو»

۳- در مجالس تعزیه‌ای که برای علی‌اکبر نوشته‌اند تأکید بر این است

که علی‌اکبر نوجوان هیجده ساله‌ای است که می‌خواسته داماد شود ولی

او را از این کار بازداشته‌اند و به منظور خویش نرسیده و از این جهت

ناراحت است و پدرش از این که در حق پسر از این بابت کوتاهی کرده

محزون به نظر می‌رسد. شبیه امام حسین (ع) دلیل به تأخیر افکندن رزم

علی‌اکبر را چنین وصف می‌کند:

آرزو داشتم از مهر کُتم دامادت

ز غم و غصه ایام کُتم آزادت

در شب عیش کُتم جان پدر دلشادت

صبح دامادیت آیم به مبارک یادت

ام لیلی هم می‌گوید:

جان مادر آرزوی شادیت را چون کُتم

جان مادر خلعت دامادیت را چون کُتم

بگفتم: بلی، داد این نامه را  
 ندانست این گونه هنگامه را  
 علی اکبر با کفن سخن گوید:  
 ای کفن نامزدم مانده وطن سرگردان  
 تو بیا رحم نما بر وطنم برگردان  
 ام لیلی هم وقتی از علی اکبر ناامید می شود و متوجه می گردد او عازم  
 میدان است می گوید:  
 درخت طلعم بی میوه گشته  
 مدینه نامزد تو بیوه گشته

شگفت این که شبیه امام حسین (ع) حتی موقعی که علی اکبر به  
 شهادت رسیده می خواهد به نحوی از ناکام ماندن علی اکبر یادی کند و به  
 اهل مجلس ثابت کند این جوان هاشمی قبل از دامادی به دست اشقیاء  
 کشته شده است. در تعزیه قاسم شبیه امام فرمان می دهد رخت دامادی  
 علی اکبر را قاسم بیوشد که چند لحظه بعد از آن علی اکبر شهید می شود  
 و نیز زمانی که به دختر خود فاطمه (خواهر علی اکبر و نامزد قاسم) امر  
 می کند بر مرکب علی اکبر سوار شود گویی امام همانند هر پدر شکسته  
 دلی که هنوز امیدوار و مصمم است حضور فرزند از دست رفته اش را در  
 هنگامه ای که با شقاوت در فراسو دندان می ساید به چشم ببیند و گویی  
 که نمی خواهد این واقعیت را قبول کند که پسرش داماد نشده و کشته  
 شده است اما فاطمه از اجابت امر پدر در سوار شدن مرکب علی اکبر امتناع  
 می کند زیرا این برنامه برایش دردناک است و پدر که متوجه اندوهش  
 می شود می پذیرد.<sup>۳۵</sup>

با توجه به این که علی اکبر در یازدهم شعبان سال سی و سوم  
 هجرت دیده به جهان گشوده در ماجرای کربلا، بیست و هشت سال  
 داشته است. ابن سعد در کتاب طبقات از این سید شهید به عنوان علی اکبر  
 سخن گفته و محدث قمی در «تفسیر المهموم» بزرگتر بودن علی اکبر را  
 نسبت به دیگر فرزندان امام اختیار نموده و در تایید آن دلایلی آورده است.  
 حاج محمد هاشم خراسانی هم یادآور می شود: اقوا و اصح آن است که  
 حضرت علی اکبر در کربلا از برادر بزرگوارش زین العابدین که در آن زمان  
 بیست و سه سال داشته بزرگتر بوده است.<sup>۳۶</sup> شهید محراب آیه الله قاضی  
 طباطبائی می نویسد: آنان که گفته اند از اولاد سیدالشهداء علی اکبر شهید  
 در کربلاست و این که سن او را هیجده نوشته اند به اشتباه رفته اند زیرا  
 عبارت «ثمان عشرین» تحریف و تصحیف به ثمان عشر شده است.<sup>۳۷</sup>  
 علامه مقرر در کتاب علی الاکبر به این نتیجه رسیده که علی شهید در  
 کربلا همان علی اکبر است و آیه الله العظمی مرعشی نجفی در مقدمه ای  
 که بر این اثر نوشته می نویسد: از جمله نکات جالب توجه این تالیف پربها  
 آن است که ثابت نموده علی اکبر از امام سجاد (ع) بزرگتر بوده است.  
 دلیل دیگر این می باشد که وقتی امام سجاد (ع) همراه اسیران کربلا به  
 مجلس یزید وارد شد، یزید رو به آن امام همام کرد و گفت: نامت چیست؟  
 فرمود: علی بن الحسین (ع) یزید گفت: مگر خدا وی را نکشت، امام  
 سجاد (ع) فرمود: برادری بزرگتر از خود به نام علی داشتیم که شما او را  
 کشتید.<sup>۳۸</sup> این که ابن کثیر در تاریخ خود می گوید امام سجاد (ع) برادری

حیف من مادر نیستم حجله عیش تو را  
 من برم این آرزو در گور من بهر خدا  
 و با ناراحتی می گوید:  
 به هیجده سالگی عزم سفر کردی علی اکبر  
 مرا آخر اسیر و در بند کردی علی اکبر  
 و علی اکبر به مادر یادآور می شود:  
 تازه دامادی که می بینی فراموشم مکن  
 و در حالی که کفن بر تن می کند جوانان را خطاب قرار می دهد که:  
 جوانان شماها عروسی کنید  
 ز ناکامی من به یاد آورید  
 در همین حال آرزوی خود را مطرح می کند:  
 به دل داشتیم آرزو ای خدا  
 شب عیش بندم به دستم حنا  
 حنایم ز خون گلویم شده  
 مهیا اجل روبرویم شده  
 مادرش وقتی پسر را مصمم در رفتن به میدان رزم (به حال  
 کفن پوش) می بیند می گوید:  
 مدینه با دو صد شادی، بریدم رخت دامادی  
 نشد قسمت تو را شادی پرو آهسته آهسته...  
 به روایت تعزیه علی اکبر (ع) هنگامی که در مدینه بود دختر عمویش  
 (حضرت عباس) را به نامزدی برگزیده و بین این دو زوج صیغه عقد  
 جاری شده است. در گیر و دار جنگ اصحاب امام حسین (ع)، مردی  
 عرب از مدینه می آید که شبیه علی اکبر احوال خواهر و نامزد خود را از او  
 جویا می شود:  
 علی اکبر: کجا دیدی عرب دختر عمویم؟  
 مرد عرب: شوم لال و جوابت را نگویم  
 علی اکبر: بدی خوشحال یا او بود غمگین؟  
 مرد عرب: بدان خوشحال بود آن جان شیرین  
 علی اکبر: نگفتی شادیت بر کیست دیگر  
 مرد عرب: بگفتا نامزد باشم به اکبر  
 در پایان این گفتگو علی اکبر به مرد عرب توصیه می کند:  
 بگیر این کاکل آزاده من  
 بده بر دست عموزاده من  
 اگر گوید چرا از خون بود تر  
 مگو شد کشته، او می گردد مکدر  
 در مجلس تعزیه میرزا علی اکبر از مرد عرب می خواهد که حال  
 نامزدش را برای او باز گوید:  
 دگر بازگو حال دختر عمم  
 که از دل رباید هزاران غم  
 مرد عرب جواب می دهد:  
 بگفتا تو در کوفه چون می روی  
 روانه به پابوس شهزاده ای

سرانجام، نعش خونین بر صحنه اصلی، روبروی حجله‌گاه عروسی قاسم، قرار داده می‌شود. در طرفی از صحنه مراسم عزا با گوشه‌هایی از غم نوا تشکیل می‌شود، تماشاگران بر سینه می‌زنند و در طرف دیگر صحنه مراسم عروسی با همراهی نوای سرورانگیز ادامه می‌یابد. درست در هنگامی که مراسم عروسی خاتمه می‌یابد و قاسم مهیای زفاف می‌گردد به میدان جنگ فراخوانده می‌شود و به شهادت می‌رسد.<sup>۳۳</sup> همه این برنامه‌ها به دلیل آن است که به نحوی به حاضران در مجلس ثابت کنند علی‌اکبر و قاسم ناکام گردیده و با همه تلاشهایی که امام در آن گیر و دار جنگ فراهم آورد تا دامادی آنان تحقق یابد چنین چیزی تحقق نیافت. مطرح کردن چنین مطالب و موضوعات مخدوش و آمیخته به وهن یا فرهنگ اهل بیت (ع) هیچ‌گونه سازشی ندارد و با عقل و منطق سازگاری ندارد که امام این چنین اصرار داشته باشد که جوان بیست و هشت ساله‌اش در صحرائی کربلا داماد گردد در مدارک تاریخی متقن آمده است که علی‌اکبر با ام ولد عمویش امام حسن (ع) ازدواج کرد و مرحوم مجلسی در بحارالانوار، میرزا حسین نوری در مستدرک الوسایل و محدث قمی در نفس المہوم این نکته را آورده‌اند.<sup>۳۴</sup> مرحوم کلینی در فروع کافی روایت کرده است: بزنتی می‌گوید از امام رضا (ع) راجع به مردی که با زنی ازدواج نموده و ام‌ولد پدر آن زن را نیز به عقد و ازدواج درآورده سؤال کردم امام فرمود: اشکالی ندارد، سپس می‌افزاید به امام عرض کردم: از پدر بزرگوارتان نقل شده که فرموده‌اند: امام سجاد (ع) با دختر امام حسن (ع) وام ولد ایشان ازدواج کرده‌اند و این مسئله را یکی از دوستانمان از من سؤال کرده تا از شما بپرسم؛ امام رضا (ع) فرمودند: این‌گونه نیست بلکه امام سجاد با دختر امام حسن (ع) ازدواج کرد و علی‌اکبر با ام‌ولد عمویش ازدواج نمود.<sup>۳۵</sup> حسام‌الدین حلی هم در مورد علی‌اکبر می‌گوید: «لله عقب»<sup>۳۶</sup> و این خود دلیل بر آن است که این جوان هاشمی ازدواج کرده و فرزند داشته است. فرازهایی از زیارتی که مرحوم ابی‌القاسم جعفر بن محمد معروف به ابن‌قولویه قمی نقل کرده از قرائن قوی درخصوص متاهل بودن علی‌اکبر و فرزند داشتن اوست. به روایت ابوحمزه ثمالی از امام صادق (ع) نقل شده است: صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم و علی عترتک و اهل بیتک و آبائک و ابنائک و امهاتک الاخیار... یعنی درود خلأوند بر تو و عترت و اهل بیت و پدران و فرزندان و مادرانت باد. علامه مقرر می‌نویسد: از این زیارت‌نامه به خوبی استفاده می‌گردد که علی‌اکبر دارای فرزند بوده است. در فراز دیگری از این زیارت‌نامه آمده است: ضح خدک علی القبر و قل صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم یا ابالحسن ثلاثاً (یعنی: صورت را بر قبر (شریف) بگذار و سه مرتبه بگو درود خلأوند بر تو ای پدر حسن) کتبه ابالحسن که در این زیارت‌نامه بدان اشاره شده موید آن است که علی‌اکبر دارای فرزندی یا نام حسن بوده است شیخ کلینی در کتاب کافی به نقل از امام صادق (ع) درباره حضرت علی‌اکبر آورده است: صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم و علی اهل بیتک و عترتک الاخیار. بنابر این مدارک، علی‌اکبر قبل از آن که به کربلا بیاید ازدواج کرده و فرزند یا فرزندان هم داشته و نیز همسرش ام‌ولد امام حسن (ع) بوده است نه دختر عمویش حضرت عباس (ع) و براین اساس تمام موضوعاتی که در تعزیه بر آنها تأکید می‌شود که این جوان تمایل به

بزرگتر از خود داشت که او را نیز علی می‌گفتند مأخوذ از فرمایش حضرت زین‌العابدین (ع) است.<sup>۳۷</sup> پس این که در تعزیه، تأکید بر هیجده سالگی او می‌شود صحت ندارد و این‌گونه اصرارها در کم نشان دادن سن علی‌اکبر برای ایجاد هیجان در بین حضار و افزایش سوگ و ماتم و افزون نمودن تأثر مردم است زیرا مردم برای یک جوان هیجده ساله که داماد هم نشده و به طرز فجیعی کشته می‌شود بیشتر گریه می‌کنند تا مردی میان‌سال که ازدواج هم کرده و فرزندان دارد.

این که امام حسین (ع) در بحبوحه آن حوادث هولناک و پیش‌آمدهای آزاردهنده به فکر دامادی علی‌اکبر (ع) بیفتد و ذهن او را این ماجرا مشغول کند هم با منابع تاریخی وفق نمی‌دهد و نیز مقام باقداست امام شانی بالاتر و والاتر از این دارد که به چنین اموری فکر کند شهید مطهری از این مضامین وهن‌انگیز به شدت ناراحت شده و می‌گوید: «شما را به خدا ببینید حرفهایی را که گاهی وقتها از یک افراد در سطح پایین (عامی) می‌شنویم که مثلاً می‌گویند من آرزو دارم عروسی پسر مرا ببینم به فردی چون حسین بن علی (ع) نسبت می‌دهند آن هم در گرماگرم زد و خورد که مجال نماز خواندن نیست...»<sup>۳۸</sup>

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای - مقام معظم رهبری - نیز نسبت به چنین عبارات وهن‌آلود ابراز ناراحتی کرده و فرموده‌اند «شعاری که در آنها نسبت به ائمه استهجان است خوانده نشود... بعضی از افراد اشعاری را می‌خوانند که آدم دلش نمی‌خواهد حتی برای پدر و پسر او هم خوانده شود یعنی تعبیراتی می‌کنند که در آنها نوعی استهجان وجود دارد. نباید بوی ذلت و خاکساری نسبت به ائمه و شجاعان کربلا در اشعار استشمام شود...»<sup>۳۹</sup>

در مجلس تعزیه علی‌اکبر، شبیه امام خطاب به پیکر غرق در خون علی‌اکبر (ع) این اشعار را می‌خواند:

مخواه پیش عدو این قدر شکست مرا  
به حجله می‌روی آخر بیوس دست مرا  
ملول گشته دل داغدار ناشادت  
که من نکرده‌ام ای نور دیده دامادت  
نکرده‌ام پدری ای پسر تو حق داری  
ولی مکن خجلم نور دیده حق داری  
به تو اگر سخن آبدار می‌گویم  
ز من مرنج که بی‌اختیار می‌گویم!!

درست در همین میان که علی‌اکبر (ع) در خون خویش غلطینه است مجلس عروسی قاسم برپا می‌گردد و سرانجام حجله رنگارنگ عروسی را وارد صحنه ساخته و عروس و داماد از میان راهروهای باریک حسینیه یا تکیه به سوی سکوی مرکزی هدایت می‌شوند، نوای عروسی ورود آنها را همراهی می‌کند و درحالی که میان حاضران که مشغول هلهله هستند شیرینی پخش می‌شود ناگهان از پشت سر حضار، اسب بدون سوار علی‌اکبر (ع) آشکار می‌گردد، قاسم که این وضع را می‌بیند حجله را رها کرده به میدان جنگ می‌رود و لحظه‌ای بعد پیشاپیش عده‌ای که پیکر علی‌اکبر (ع) را روی تابوتی حمل می‌کنند به صحنه اصلی باز می‌گردد

عروسی راه انناختن و تشکیل خانواده داشته فاقد اعتبار است و نیز نهمزد دخترعمویش عباس نبوده است.

۴- ملاحسین کاشفی می‌نویسد: «در اخبار آمده که چون امام حسین (ع) از مدینه بیرون آمد و عزیمت کوفه نمود او را دختری بود هفت ساله و به جهت رنجوری که او را عارض شده بود نتوانست با خود همراه ببرد پس در خانه امسلمه بگذاشت و آن دختر در آن خانه می‌بود و دائم تفحص حال پدر می‌نمود تا در آن ساعت که امام را شهید کردند کلاغی بیامد و پر و بال خود را در خون حسین مالیده پروازکنان می‌رفت تا به مدینه رسید و بر دیوار امسلمه نشست قضا را دختر حسین (ع) از خانه به یاغچه درآمد و نظرش بر آن کلاغ خون‌آلود افتاد دست کرد و مقنعه عصمت از فرق مبارک درکشید و فریاد برآورد که وای وای و احسینایه و امعیناه مخدرات حجرات رسالت همه جمع شدند و گفتند ترا چه افتاد و سبب این خروش چیست و دختر حسین اشارت بر آن دیوار کرد...»<sup>۳۶</sup> تعزیه‌نویسان براساس این داستان غیرواقعی مجلس تعزیه فاطمه صغری دختر امام حسین (ع) را ترتیب داده‌اند و در مجلس تعزیه علی‌اکبر بین این دختر و برادرش بوسیله افراد، کبوتر و... مکاتبه ارتباط برقرار است. امام در تعزیه علی‌اکبر از مردی که راه بین مدینه تا کربلا را پیموده است می‌خواهد تا به وی خبر دهد در شهر جدش چه روی داده است که مرد عرب در پاسخ امام می‌گوید:

چو هُد هُد در سرای غم سحرگاهی گذر کردم  
مدینه در گذرگاه بنی‌هاشم نظر کردم  
چو بنمودم نظر دیدم که بلقیس وصال تو  
همان صغری محزون گرفتار جمال تو  
نشسته بر سر راه و فغان و شور و شینی داشت  
نوا ی اکبری و اصغری و یاحسینی داشت  
بداده نامه از بهرت بدان آهسته ای سرور  
بگیر این نامه را و شو ز مضمونش تو مستخبر

امام:

صغیر بی‌پدر صغرای زارم  
ز هجرانت پدر جان، دل ندارم  
سپس از مرد عرب می‌خواهد دیگر از آن دختر برایش خبر دهنده او هم می‌گوید:

دگر گفتا سلام از من رسان بر یاب زارم  
بگو یک آرزویی ای پدر جان من به دل دارم  
از آن ترسم کنی بایا عروسی علی‌اکبر  
نباشم من در آن وادی که خاک عالم بر سر  
اگر کردی عروسی بهر قاسم اندر آن ماوا  
به جان اکبر ای بابا مرا اول طلب فرما  
در نمونه‌ای دیگر از مجلس تعزیه علی‌اکبر (ع)، وی تقاضای یک کبوتر می‌کند:

بیاور جان خواهر یک کبوتر  
نمایم شرح حال خود سراسر

سکینه:

بگیر از من کبوتر جان خواهر  
بیا کن شرح حال خود سراسر

علی‌اکبر:

کبوتر من پر و بال تو نازم  
کبوتر بین به حال جان‌گدازم  
تو هد هده من سلیمان مدینه  
صبا بلقیس صغرای مدینه  
کبوتر من غریبم یاورم باش  
در این بی‌مونس غم‌پرورم باش  
بزن بال و پر خود در مدینه  
به نزد خواهرم آن بی‌قرینه  
بگو خواهر به غم گشتم گرفتار

دریغ از راه دور و رنج بسیار

هیچکدام از منابع تاریخی معتبر و نیز کتب روایی گزارشی مبنی بر اقامت دختر امام حسین (ع) در مدینه ارائه ندهاند و اصولاً امام حسین (ع) تنها یک دختر به نام فاطمه داشته که به عقد ازدواج حسن مثنی فرزند امام مجتبی درآمد و به همراه شوهرش در کربلا حضور داشته است که البته تعزیه‌نویسان این بانو را همسر قاسم بن حسن (ع) تلقی کرده‌اند و مجلس عروسی قاسم و حجله‌آرایی مفصلی در این ارتباط ترتیب داده‌اند. شهید آیه‌الله قاضی طباطبایی می‌نویسد: «فاطمه صغرا که در مدینه مانده باشد در کتب امامیه به نظر نرسیده یعنی اصل ناقل وجود او و ماندنش در مدینه از کتب سنی‌ها شهرت یافته و در بعضی کتب امامیه از آنها نقل شده و در اغلب کتب عقیده سنی‌ها هم نقل نشده است»<sup>۳۷</sup>

۵- بخش مهمی از مجالس تعزیه‌ای که در خصوص علی‌اکبر (ع) نوشته‌اند به برخوردهای بسیار احساساتی بین علی‌اکبر و مادرش (ام‌لیلی) و نیز گفتگوهای این زن با امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) اختصاص یافته است، وی از این که می‌خواهد فرزندش به میدان رزم برود به شدت افسرده و محزون بوده و تمام تلاش او در این راستا مصروف می‌گردد که فرزندش شهید نشود و جوانش از دستش نرود و مصمم است تا برایش عروسی راه اندازد:

انیس کلبه احزان من علی‌اکبر

جلیس این دل‌سوزان من علی‌اکبر  
دگر به خیمه نخواهم روم من ای مادر  
نشینم از غم تو در میان خاکستر  
و چون علی‌اکبر از کشته شدن خود توسط اشقیاء خبر می‌دهد فریاد می‌زند:

کور باد چشم خصمته دیده بوسی می‌کند  
مژده‌ای یاران علی‌اکبر عروسی می‌کند  
عمه اکبر بیا زینب به چشمان پرآب  
حجله عیش علی‌اکبر بیارید از ثواب  
بیاورید اساس عروسی اکبر

برشورش تفسیری بر واقعه عاشورا بود و با افشاکری‌های خود در کوفه و شام بساط استبداد را متزلزل کرد و جامعه را بر علیه امویان برانگیخت در این سروده‌ها و اشعار مشابه تحت عنوان زبان حالش فردی مریض و رنجور و ناتوان افسرده‌ای معرفی شده که حتی العیاذ بالله از شناختن برادرش هم عاجز می‌باشد و این در حالی است که امام سجاد (ع) از راولیان کربلاست و این حماسه را هم پاسناری کرد و هم در جهت گسترش فرهنگ عاشورا کوشید.

به نمونه دیگر از مکالمه علی‌اکبر با برادرش توجه کنید:

علی‌اکبر: آدمم لیک با حال حزین

ای علیل زار زین العابدین

دیده بگشای غلیل مضطرم

ای برادر من علی‌اکبرم

علی‌اکبر: از چه گشتی زرد مثل کهربا

امام سجاد: از فراق روی تو ای مه‌لقا

علی‌اکبر: گوئی بیمار می‌باشی هنوز

امام سجاد: هست چهل سال این، نه شب دارم نه روز

در صورتی که امام سجاد بعد از حادثه کربلا چهل سال در نهایت سلامتی در قید حیات بود و با سایر ائمه از این لحاظ تفاوتی نداشت. محدث نوری عقیده دارد مرحوم دریندی این مطالب مخدوش را در کتاب خود اسرارالشفاده درج کرد و ضمن ذکر این ماجرا به نقل از ماخذ مورد اشاره آن را جزو افسانه‌ها و تحریفات کتاب اسرارالشفاده می‌داند و شهید مطهری هم در کتاب حماسه حسینی آن را غیرمستند جعلی، خرافه و وهن‌انگیز می‌داند.

۷ - در تنظیم اشعار و مکالمه‌های تعزیه به جای آن که فرهنگ شهادت و حماسه و نیز باورها و اعتقادات دینی صبغه بارزی داشته باشد خرافات عامیانه، آداب و رسوم طوایف و عشایر و به خصوص سنت‌های قبل از اسلام پررنگ‌تر است و همین آفت در مخدوش ساختن متون تعزیه دخالت عمده‌ای داشته است. این سنن متناسب با وقایع و گفتگوهای هر صحنه بکار گرفته می‌شود و در موارد متعددی به شکلی گسترده استفاده از فرهنگ عامیانه ایرانی بر فضای تعزیه حاکم است و نوعی سادگی عامیانه در آن دیده می‌شود درحقیقت نقال تعزیه برای جلب‌نظر تماشاگران و برانگیختن عواطف آنان اغلب آه و ناله و اشارات را با آداب کوچ و بازاری درهم آمیخته است<sup>۳۳</sup> در شاهنامه فردوسی آمده است که از خون سیاوش پس از آن که سرش از بدن جدا می‌شود گیاه می‌روید،<sup>۳۴</sup> عین این افسانه در تعزیه علی‌اکبر مورد اقتباس قرار گرفته است. همچنین از خون آدونیس (Adonis) که یک قهرمان اسطوره‌ای است<sup>۳۵</sup> نیز شقایق و به روایتی گل سرخ می‌روید.<sup>۳۶</sup> شبیه علی‌اکبر در تعزیه شهادت علی‌اکبر:

جوانان جوانان به فصل بهار

شما را چو افتد به قبرم گذار

بکارید بر قبرم ای دوستان

گل و لاله و سنبل و ارغوان<sup>۳۷</sup>

ز راه مهر یا دوستان بدیده تر  
و با کشته شدن فرزندش همراه با افسردگی و بی‌تابی می‌گوید:

حیف زود از برم سرو روان رفتی تو

کام نادیده از این دار جهان رفتی تو

من شدم پیر دریا که جوان رفتی تو

چشم بستنی ز جهان سوی جنان رفتی تو

حضور ام‌لیلا در کربلا و این که در سال ۶۱ هجری او در قید حیات بوده اعتبار تاریخی ندارد و علامه عبدالرزاق موسوی مقرر عقیده دارد که این بانو قبل از ماجرای نینوا درگذشته است و می‌افزاید هرچند که «دریندی» در کتاب اسرارالشفاده از برخی کتب مجهول المولف می‌گوید ام‌لیلا در کربلا حضور داشته ولی محدث و عالم بزرگ شیخ عباس قمی اظهار می‌دارد که من به ماخذی دست نیافتیم که دال بر آمدن لیلا به کربلا باشد.<sup>۳۸</sup> سخن این حدیث‌شناس و محقق مسلم برای آن که حقایق تاریخ را پیگیر است حجت و سند می‌باشد.<sup>۳۹</sup> محدث نوری صاحب مستدرک الوسایل می‌نویسد: آنچه روضه‌خوان می‌خواند که بعد از رفتن علی‌اکبر به میدان و آمدن آن حضرت (امام حسین (ع)) به نزد مادرش و این که به لیلا فرمود برخیز و برو در خلوت و دعا کن برای فرزندم تا آخر آن، تمام دروغ است.<sup>۴۰</sup> استاد شهید مرتضی مطهری این ماجرا را نمونه‌ای دیگر از تحریفات در وقایع عاشورا دانسته و افزوده است حتی یک تاریخ هم به آن گواهی نمی‌دهد قضیه لیلی مادر علی‌اکبر است، البته ایشان مادری به نام لیلا داشته ولی حتی یک مورخ نگفته که لیلا در کربلا بوده است. نکته دیگر این که ام‌لیلی از خاندان با شرافت و اهل عزت و نیکی بود، اگر لیلی از لیاقت‌ها و شایستگی‌های ذاتی و خصال نیکو بهره‌ای نداشت به افتخار همسری سید جوانان بهشت و سومین فروغ امامت در نمی‌آمد و مادر جوان فداکاری چون علی‌اکبر نمی‌شد بهره‌اش از ایمان و پاکی موجب گردید تا با زنان اهل بیت عصمت و طهارت هم‌نشین باشد و بر سر سفره انسانهای پاک و وارسته حاضر گردد، بانویی با این خصوصیات به هیچ عنوان مانع فداکاری و جانبازی فرزندش نمی‌باشد و به ایثار و شهادت او افتخار می‌کند.<sup>۴۱</sup>

۶ - در تعزیه حضرت علی‌اکبر (ع) مکالمه‌ای بین امام سجاد (ع) و برادرش صورت گرفته که طبع آن گویا امام سجاد (ع) در چنان شرایطی است که از اوضاع کربلا غافل بوده و حتی برادرش علی‌اکبر را درست نمی‌شناسد!!

امام سجاد (ع): ندانم کیست بوسد دست و پایم

علی‌اکبر: منم آن کس که در کویت فدایم

امام سجاد: که‌باشی بر سرم ای سیاهی

علی‌اکبر: منم از آشنایان باوقایی

امام سجاد: که باشی بر سرم ای نکوفر

علی‌اکبر: تویی چون حیدر و من هم چو قنبر

امام سجاد: بگو یا من که‌باشی زار مضطرم

علی‌اکبر: بلاگردان شود بهر تو اکبر

بدین‌گونه امامی که حضورش در جمع اسرای کربلا و سخنان

و خطاب به مادرش لیلی:

لاله بر قیرم بکار از خون دل آبش بنه  
جدد سنبل را به یاد گیسویم تابش بنه<sup>۳۷</sup>  
نمونه‌های دیگر از تاثیرپذیری از سنن عامیانه:  
شبیبه امام:

بوی گیسوی علی اکبر من می آید  
یا صبا مشک‌فشان سوی چمن می آید  
شبیبه امام در تعزیه میرعزا:

نهم عمامه بر سرت به بند تیغ حیدرت، فدای زلف و کاکلت  
علی علی علی علی، عصای پیریم علی  
شبیبه زینب و ام‌لیلی با هم بخوانند:  
سپند و عود و مجمرت، بگیرم آینه برت، فدای زلف و کاکلت  
علی علی علی علی، عصای پیریم علی  
وقتی علی اکبر می‌خواهد به میدان رود مادرش برای دفع چشم‌زخم  
و حفاظت جوانش از گزند بدچشمان اسپند می‌سوزاند:

ای فلک به مجمر چند از ستاره ریز اسپند  
از برای دفع گزند  
من سپند سوزانم بهر تو نوا خوانم  
حنابندان و سرمه کشی:

علی اکبر خطاب به مادر:  
سرمه بر چشمم بکش با نیل غم از دود آه  
عاقلان را زین مصیبت بیخود و دیوانه کن  
زینب خطاب به برادر:  
برادر جان نظر بردارم از روی چو ماه او  
امام:

برو خواهر بکش سرمه به چشمان سیاه او  
ام‌لیلی خطاب به علی اکبر (ع):

دل‌م می‌خواست در دنیا حنابندم به دست و پا  
نشد قسمت مرا اما بنال آهسته آهسته

امام خطاب به فرزندش:  
مادرت خواست حنای تو ببیند به جهان  
علی اکبر:

گو که بنده به کفش خون من تازه جوان  
ام‌لیلی:

بدل داشتم آرزو ای خدا  
بندم شب عیش او را حنا  
حنایش ز خون گلویش شده  
مهیا اجل روبرویش شده

ام‌لیلی:  
از فراق‌ت ای اکبر  
مادرت تسلی کن

علی اکبر:

عنبر و گلاب‌آور

عود و مشک ناب‌آور

نکته دیگری که باید خاطر نشان ساخت این است که تعزیه‌نویسان برای فرزندان ائمه لفظ شاهزاده را بکار می‌برند و می‌خواهند با به خدمت گرفتن این لفظ میان قهرمانان کربلا و اسطوره‌های ایرانی ارتباط برقرار کنند مثال: شاهزاده علی اکبر، شاهزاده قاسم و شاهزاده عبدالله.

۸ - یکی از مسائلی که مجالس تعزیه را از نظر پیام و محتوا دچار اشکال می‌نماید این است که در قالب اشعاری و به عنوان زبان حال علی اکبر یا پدر و مادرش چرخ و فلک مورد مذمت قرار می‌گیرند و تمامی حوادث منفی و مصائب حزن‌انگیز و نگران‌کننده را به این اجرام سماوی نسبت می‌دهند، علی اکبر:

مدینه یادم آوردی مرا خون در جگر کردی

الا ای چرخ برگردی بنال آهسته آهسته

در تعزیه‌ای که در شهرستان سروستان می‌خوانند شبیه علی اکبر می‌گوید:

ای زمین کربلا ای خصم آل بوتربا

ای که سستی روی اولاد علی از خون ناب

با که کردی ای سپهر کینه‌جو این‌گونه ظلم

تشنه بابایم حسین و در کنارش نهر آب

و چون شبیه امام حسین به علی اکبر می‌گوید:

فاطمه چشم براه تو بود ای فرزند

شبیبه علی اکبر جواب می‌دهد:

چه کنم آه فلک ریشه عمرم برکنند

علی اکبر وقتی شدت عطش بابش را می‌بیند می‌گوید:

فلک خراب شوی یا منت چه در نظر است

لب حسین ز لب من هنوز خشک تر است

شبیبه زینب:

ای فلک تا یکی از کین، پی آزار منی

چند آتش به دل زینب بیچاره زنی

درحالی که این اشعار وهن‌انگیز به عنوان زبان حال اهل بیت امام

حسین (ع) نسبت داده می‌شود حافظ یک لاقبای شیرازی که از ستم آل

مظفر به ستوه آمده می‌گوید:

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو درانلایم

و یا گوید: چرخ برهم زخم آر غیرمرادم گردد

و یا: من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک

و اسدی طوسی هم توصیه می‌کند:

ز یزدان شمر نیک و بدها درست

که گردون یکی ناتوان همچو توست

اگر این اعتراض به چرخ و فلک به عنوان راضی نبودن به مشیت الهی که بالاتر از آن است تلقی گردد نه کار شایسته و خردمندانه‌ای است و نه آن که پرورش‌یافتگان مکتب امام حسین (ع) این‌گونه نظری دارند، بطور مسلم زینب کبری با این اشعار که شاعر به عنوان زبان حال او

سروده موافق نمی‌باشد و این شیوه یک نوع تهمت و معرفی منفی از سیمای این بانوست که: از زبانش بگوئیم:

ای چرخ، تیره از ستمت عرش داور است  
بنگر حسین را ز چه با ناله اندر است  
خود می‌کنی نظاره حسین جان گزیده باد

غلطان به خاک و خون تن عباس سرور است  
در این شعر شدت حادثه آفرینی چرخ و فلک در حدی است که حتی عرش الهی را مکدر ساخته است اگر این بدگویی به فلک به عنوان یک عامل مؤثر در سرنوشت انسان و عاملی در عرض اراده الهی تصور گردد ناخواسته ما یک تفکر ثنوی و دوگانه پرستی را که در اسلام شرک به شمار می‌آید در سوگنامه‌های کربلا رسوخ داده‌ایم. اروپائیان از اشعاری که فلک را نکوهش می‌کنند برداشت کرده‌اند هنوز آثاری از زردشتی‌گری در آداب و رسوم شیعیان ایران مشاهده می‌شود. ش. ویرولو (ch. Virilleaud) خاورشناس فرانسوی می‌نویسد: «در نظر ایرانیان گذشته از خداوند یا الله که جز رحمت و عطاقت چیز دیگری نیست قدرت دیگری وجود دارد که آن را آسمان یا فلک می‌نامند و تمام بدی‌ها و ظلم‌ها به او نسبت داده می‌شود و این خود یادگاری از اصول ثنویت است که طبق آن دنیا را دو خداوند اداره می‌کنند یکی اهورامزدا خداوند خیر و دیگری اهریمن خدای شر، مع‌هذا از آنچه از تعزیه‌ها برمی‌آید مذهب شیعه [؟] آثار بسیار کمی از مذهب مزدا را دربردارد [!!!]»<sup>۲۸</sup> حضرت زینب کبری بانوی وارسته و پرهیزگاری است که وقتی در خصوص آن همه مصائبی که به وی وارد شده، سؤال می‌کنند با باوری عالی و ایمانی عمیق و نظری ژرف می‌گوید: جز زیبایی ندیدم همچنین امامی که با اذن الهی ولایت تکوینی دارد و می‌تواند در امور و پدیده‌ها با عنایت الهی تصرف کند و منشأ تحولاتی شگفت باشد و واسطه فیض الهی و مظهر لطف حق است. نباید زبان حالش این‌گونه ترسیم گردد:

آه از ستم شعاریت ای چرخ بی‌وفا

کردی مرا تو یکه و تنها در کربلا

یا:

سخت بی‌کس شده‌ام ای فلک کج رفتار

چکنم با سپه کم بر چند هزار

در منابع اسلامی از دشنام دادن دهر و روزگار منع شده و اعتقاد به این که ستارگان، اجرام سماوی و صور فلکی در سرنوشت انسانها تاثیر دارند حرام است.

۹- به رغم آن که در برخی سروده‌ها علی‌اکبر می‌گوید:

منت بودم در ره حق جان دادن

هست فخر به ما در ره حق جان دادن

و امام در جواب زینب می‌گوید:

بنان او را نمودم من به کوی دوست قربانی

اما در موارد متعددی به خواننده چنین القا می‌شود که علی‌اکبر فدای امت گنه‌کار شده است!!!

علی‌اکبر خطاب به مادر:

خوشا حال تو ای مادر که فرزند عزیزت را  
فدای امت خیرالبشر کردی  
و ام‌لیلی هم می‌گوید:

علی‌اکبرم ای خدای جهان

کتب من فدای همه شیعیان

و امام حسین خطاب به فرزندش:

هیچ می‌دانی تو را بهر چه حرمت می‌کنم

بیش از این لب‌تشنه‌گان بیش حرمت می‌کنم

نقد جانث را ندادم مفت از کف غم مخور

در بهای خون تو فردا شفاعت می‌کنم

و چون سکینه اجازه نمی‌دهد علی‌اکبر به میدان جنگ برود: نگذارم

پدر تو دست بندار

امام جواب می‌دهد: کردم اکبر فدای این امت

و سپس با خدا چنین راز و نیاز می‌نماید:

الها با تو عهدی کردم آن چنان کردم

من این زیبا جوانم را فدای امتان کردم

امام در گفتگو با فرزندش: خون‌بهایت را طلب کن از خدا

علی‌اکبر: خون‌بهایم چیست ای جان بابا

امام: گو که بگذر از گناه شیعیان

علی‌اکبر: شیعیان قربانت ای روح و روان

از باورهای مسیحیت تحریف شده این است که افراد صالح و شایسته

برای تامین رستگاری دیگران و رهایی افراد از بار سنگین گناهان فدا شوند، چنین برداشت غلطی از شفاعت در تعزیه به دلیل اقتباس آن از نمایش‌های قرون وسطای مسیحی می‌باشد. این باور نادرست و انحرافی تصور باطلی را مبنی بر این که در برابر دستگاه خداوندی تشکیلات جداگانه‌ای هم وجود دارد درست می‌کند که با مبانی اعتقادی و بینش اسلامی سازش ندارد و با روح تشیع و فرهنگ اهل‌بیت در تعارض است به علاوه این توجیه و طرز تفکر درست نقطه مقابل هدف واقعی امام حسین (ع) و یارانش در قیام کربلاست یعنی این حماسه صورت گرفت تا مردم بیشتر از خدا بترسند، از گناه برحذر باشند و به شکل جدی‌تری به فرایض دینی توجه کنند، بساط گناه برچیده شود و دست شیعیان از امور منکر و اعمال خلاف کوتاه گردد و روح تقوا و زهد و عبادت در مردم زنده شود، مسلمانان به حق و حقیقت توجه کنند، رهبر این قیام خود از هرگونه گناه و خطایی مصون بود و جوانان بنی‌هاشم و اصحاب امام حسین (ع) نیز در تقوا و عبادت و وارستگی برگزیدگان زمان خود بودند اما این‌گونه نبوده است که سنگری برای گنهکاران امت باشند و شیعیان بعد از شهادت این عزیزان خاطرشان از بابت گناه آسوده باشد و با اطمینان کامل هرچه می‌توانند خلاف کنند و از عذاب خداوند و ترازوی عدل الهی و حساب روز جزا بیمی به دل راه ندهند زیرا امام و افرادی چون علی‌اکبر و قاسم فدای امت عاصی شده‌اند! این طرزفکر برای جامعه اسلامی بسیار ناراحت‌کننده و شرم‌آور است و روح مقدس آن فداکارانی را که برای محو منکرات و مبارزه با آلودگی‌ها قیام کرده‌اند رنج می‌دهد و هیچ امکان‌پذیر

- ۲۰ - تجلی قرآن مجید در مجالس شبیه خوانی، جابر عنصری، مجله سروش، شماره ۹۱۹، ص ۶۴.
- ۲۱ - تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۶۵.
- ۲۲ - اللهوف، سیدین طاووس، ص ۴۷؛ المختار من مقتل بحار الانوار، ص ۱۳۲، مشیرالاحزان، ص ۷۹؛ اعیان الشیعه، ج اول، ص ۶۰۷؛ الفتوح، ابن اعثم کوفی، ص ۹۰۷؛ نفس المهموم، محدث قمی، ص ۱۶۴؛ موسوعه کلمات الامام الحسین، مقتل الخوارزمی، ج ۲، ص ۵-۶. پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ص ۴۶۰-۴۶۱.
- ۲۳ - عرفان و حماسه، آیه الله جوادی آملی، ص ۱۸۸-۱۸۹.
- ۲۴ - روضه الشهداء، ملاحسین واعظ کاشفی، ص ۳۳۶-۳۳۷.
- ۲۵ - نک: تعزیه هنر و بومی پیشرو ایران، مقاله تحلیلی از تعزیه عروسی قاسم صادق همایونی.
- ۲۶ - منتخب التواریخ، حاج محمد هاشم خراسانی، ص ۲۹۱.
- ۲۷ - تحقیق درباره اولین اربعمین حضرت سیدالشهداء، شهید قاضی طباطبایی، ص ۶۷۶.
- ۲۸ - مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۰.
- ۲۹ - البدایه والنهایه، ابن کثیر شامی، ج ۹، ص ۱۰۳.
- ۳۰ - حماسه حسینی، شهید مطهری، ج اول، ص ۲۷-۲۸.
- ۳۱ - ارزیابی سوگواری های نمایشی، از نگارنده، ص ۱۲۲.
- ۳۲ - تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۱۵-۱۶.
- ۳۳ - در کتاب وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۸ و نیز ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۵۷ این نکته آمده است.
- ۳۴ - فروع کافی، ج ۵، ص ۳۶۴.
- ۳۵ - حنائق الوردیه، ج اول، ص ۱۱۶.
- ۳۶ - روضه الشهداء، ص ۲۵.
- ۳۷ - تحقیق درباره اولین اربعمین حضرت سیدالشهداء، ص ۶۸۴.
- ۳۸ - نفس المهموم، ص ۱۶۷.
- ۳۹ - علی اکبر، علامه عبدالرزاق المقرم، ص ۱۵.
- ۴۰ - لؤلؤ و مرجان، محدث نوری، ص ۹۲.
- ۴۱ - حضرت علی اکبر شبیه پیامبر شهید ولایت، از نگارنده، ص ۳۲-۳۳.
- ۴۲ - نک: تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۳۷ و ۷۳.
- ۴۳ - شاهنامه فردوسی، ج سوم، ص ۶۶۴.
- ۴۴ - دائرة المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، ج اول، ص ۷۷.
- ۴۵ - موسیقی مذهبی ایران، ج اول (موسیقی تعزیه)، محمدتقی مسعودیه، ص ۲۶.
- ۴۶ - مجالس تعزیه، حسن صالحی راد، ص ۱۳۹.
- ۴۷ - تعزیه شهادت شاهزاده حضرت علی اکبر و شهادت غلام ترک، چاپ تهران، ص ۱۳.
- ۴۸ - تمدن ایرانی، چند تن از خاورشناسان فرانسوی، ترجمه دکتر عیسی بهنام، ص ۳۳۷.

نیست که کسی با دوری از خداوند به دستگاه عاشورا نزدیک شود و خیال خودش را از بابت اعمال خلافی که مرتکب شده راحت کند، این طرز فکر توأم با اهانت و تحریفات آشکار یعنی آن که با سرمایه شهادت امام و یارانش دستگاهی در مقابل ثواب و عقاب الهی پدید آمده است، البته این موضوع انحرافی با اصل شفاعت که یک عامل نیرومند و سازنده ای در تکامل معنوی، تربیتی و فرهنگی جامعه است اختلافی اساسی دارد و در این مقال مجال پرداختن به این موضوع نیست.

پی نوشت ها:

- ۱ - علی اکبر، علامه مرقم، ص ۱۷.
- ۲ - ابصارالعین فی انصارالحسین، مرحوم سماوی، ص ۲۱.
- ۳ - نک: بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۵، ص ۴۴؛ مقتل علامه مرقم، ص ۲۶۰؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۴۶؛ اعیان الشیعه، ج اول، ص ۶۲۷؛ مقاتل الطالبیین، ص ۲۵۹؛ علی اکبر، علامه مرقم، صص ۸۷-۸۸.
- ۴ - سوره.
- ۵ - نگاهی کوتاه به تعزیه، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۸۸۴، ص ۴.
- ۶ - موسیقی مذهبی ایران (ج اول، تعزیه)، محمدتقی مسعودیه، ص ۲۰.
- ۷ - تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، گردآورنده پیتز چلکووسکی، ترجمه داود خاتمی، ص ۳۷۴.
- ۸ - سفرنامه بنجامین، ترجمه حسین کردبچه، مقدمه، ص بیست و سوم.
- ۹ - تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۳۷۴.
- ۱۰ - سفرنامه بنجامین، صص ۲۹۵-۲۹۶.
- ۱۱ - ایران امروز (سفرنامه و بررسی های سفیر فرانسه در ایران)، اوژن اوپن، ترجمه: علی اصغر سعیدی، ص ۱۹۲.
- ۱۲ - تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۲۷۶، فهرست توصیفی نمایش های مذهبی ایران، ص ۱۸-۱۹.
- ۱۳ - براساس روایت این تعزیه دختر شاه مصر جمال علی اکبر را در خواب مشاهده می کند و به دستور حضرت عیسی که به خواب پدر این دختر آمد مقرر می گردد وی دختر خود را به کریلا ببرد و رازهایی را در آنجا مشاهده کند.
- ۱۴ - استخراج از فهرست توصیفی نمایشنامه های مذهبی ایران، جابر عنصری.
- ۱۵ - تعزیه هنر بومی پیشرو بومی ایران، ص ۶۰.
- ۱۶ - شهادت حضرت علی اکبر در آینه شبیه خوانی، دکتر جابر عنصری، روزنامه همشهری، سال اول، شماره ۲۶۰.
- ۱۷ - ارزیابی سوگواری های نمایشی، از نگارنده، ص ۳۱.
- ۱۸ - مجالس تعزیه، حسن صالحی راد، ص ۱۳۰.
- ۱۹ - مصائب امام حسین (ع) (گزیده بیانات حاج شیخ جعفر شوشتری)، ص ۱۸۰.